

مساجد جامع اولیه - منطقه اصفهان
مسجد جامع اردستان
 واقع در مرکز محله محال اردستان

فهرست :

- پیشگفتار :

- مرکز محله محال

- فصل اول - مسجد جامع اولیه اردستان

- فصل دوم - دوره‌های ساختمانی مسجد با توجه به کتیبه‌های تاریخ دار

- فصل سوم - شرح تفصیلی مسجد جامع اولیه با توجه به پی‌گردیها

- فصل چهارم - دوره‌های مختلف ساختمانی مسجد جامع اردستان درهیات فعلی

● پیشگفتار :

آنچه که بعنوان گزارش درباره مساجد اولیه ایران - منطقه اصفهان خواهد آمد نتیجه بررسیهای استکه در سالهای اخیر ضمن انجام تعمیرات توسط نگارنده انجام گردیده . این بررسیها اختصاص به سه مسجد جامع : اردستان - نائین نطنز و زواره دارد .
 در این شماره بحث خود را به مسجد جامع اردستان و دوره‌های مختلف ساختمانی آن محدود خواهد کرد .
 اهمیت این گزارشها از آن نقطه نظر است که مبتنی بر شواهد و مدارک عینی است و تاحدی نظریات قبلی محققین را در این زمینه دگرگون مینماید ، و این شک را بوجود میآورد که غالب آنچه که تاکنون درباره مساجد مذکور گفته شده مبتنی بر حدس و برداشتهای شخصی است تا شواهدی عینی ، و تأکیدی دارد بر تجدید نظر در مورد تاریخ احداث این بناها و چگونگی آن .

جای تامل است که این بررسیها و مشابه آن که در سالهای اخیر در ضمن انجام تعمیرات در مساجد بعمل آمده احداث مساجد جامع و رسوخ معماری اسلامی را در این منطقه بطور گسترده در فاصله قرن دوم و چهارم هجری مسلم میسازد نه آنگونه که مستشرقین مانند آندره گدار که مایلند تاکید کنند که این تحول از ورود ترکان سلجوقی به بعد حادث شده است .

برای مثال از گنبد مسجد جامع نطنز باید یاد کرد که بررسیهایشان داد که تاریخ احداث آن ۳۸۹ هجری قمری است و یا آنکه بررسیهای سالهای اخیر در مسجد جامع اصفهان بطور قطع احداث مسجد جامع اولیه را، همانگونه که مورخین اسلامی میگویند ، در سال ۱۵۶ هجری قمری میباشد . که خود سوی مسجد جامعی است که مورخین احداث آنرا در جای دیگر شهر در صدر اسلام ذکر میکنند . و یا آنکه بررسیهای مقدماتی انجام شده در مسجد جامع نائین نشانگر این واقعیت است که مسجد جامع اولیه مربوط به تاریخی دورتر از ۳۵۰ هجری قمری است .

تجربیات کوتاه ما در تعمیرات بناهای تاریخی دو اصل را مسلم میکند : که اولاً " آنچه را که مستشرقین درباره معماری اسلامی در ایران تاکنون اظهار داشته اند نه تنها نباید قطعی فرض کرد بلکه گاه همراه کننده است دوم آنکه تعمیر هر بنای تاریخی و بررسیهای علمی که برای انجام آن صورت میگیرد هر یک فصل جدیدیست که در تاریخ معماری ایران گشوده میشود و نباید از آن بسادگی گذشت چون تنها در مقطعی از زمان است که امکان این مهم فراهم میشود .

● مقدمه :

مجموعه مورد نظر که مرکز محله محال مهمترین محلات

اردستان (۱) بشمار می آید شامل بناهای زیر میباشد :

۱- مسجد جامع اردستان

۲- مدرسه حاج حسین نورالدین

۳- حمام پائین مسجد جامع

۴- حسینیه

۵- آب انبار

۶- کاروانسرا و بازارچه

بناهای مجموعه در دوره های مختلف شکل گرفته و تا آنجا که بررسیهای ما نشان داده است قدیمترین هسته های تاریخی در مسجد جامع پا برجا است این بدان مفهوم است که در عرصه بناهای فوق آثاری وجود داشته که فعلاً " بر روی زمین از آن نشانی نیست و کاوشهای باستانشناسی امکان

دسترسی بآن را بوجود خواهد آورد . (۲)

ضمیمه این مجموعه قلعه میان شهر وجود داشته که بعداً " تبدیل به باغ شده است . این باغ امروزه معروف به باغ قلعه است .

اصطخری صاحب کتابهای الاقالیم و مسالک الممالک میگوید (۴)

اردستان شهریست واقع بین کاشان و اصفهان دارای باغها و عمارات با فسحت و زهت و با روی محکم است و در هر محله ای قلعه ای و در هر قلعه ای آتشکده ای بنا شده است . " عین همین مطلب را درباره هر محله ای از اردستان که دارای قلعه ای و در هر قلعه ای آتشکده ای میباشد . آتشکده اردستان (۵) از قول مجدالدین طاهر بن محمد بن یعقوب فیروزآبادی (۷۱۹ - ۸۱۷ هجری قمری) نقل کرده که این خود به دو مفهوم قابل تعبیر است یا اینکه فیروزآبادی (مانند

● فصل اول

● مسجد اولیه :

منظور از عنوان مسجد اولیه در این گزارش مسجدیست که بسیاری از محققین متقدم با توجه به آثار باقیمانده آن از آن یاد کرده‌اند .

آندره گدار (۹) از آثار آن " چندین ستون و جزو طاقهای رواقی از قرن چهارم هجری " دیده است و معتقد است که " باقیمانده های مسجد مزبور در مسجد فعلی جز مصالح بنا چیز دیگری بشمار نمی‌رود و گرچه باقیمانده ها موجود بوده و مورد استفاده قرار گرفته و لیکن هیچکدام ارتباطی را بین نقشه مسجد قدیمی (اولیه) و نقشه مسجد جدید نشان نمیدهد " (۱۰)

مسجدی که گدار و دیگران (۱۱) از آن یاد میکنند و بسیاری از آنان معتقدند که مربوط به قرن چهارم هجری با نقشه مساجد اولیه اسلام در ایران . (مانند تاریخانه دامغان و مسجد جامع نائین) است مورد نظر میباشد .

موضوع این گزارش در درجه اول بررسی کیفیت و روشن نمودن نقشه آنست و سپس بیان شکل گیری مسجد فعلی در دوره های مختلف تاریخی تا با امروز (۱۲)

در اوائل قرن چهارم اصطخری درباره اردستان گوید: "شهری مستحکم است دارای باروئی با پنج دروازه و یک میل مربع مساحت دارد . مسجد جامع شهر در مرکز آن واقع بود " (۱۳)

و از مقدسی (قرن چهارم) نقل میشود که " اردستان از شهرهای تابع اصفهان که در کنار کویر بزرگ واقع است از همه بزرگتر بازارهای آن جدید و نوساز و مسجد جامع آن معمور است در آنجا بسیاری از مشایخ از اهل تصوف و حدیث و فقها یافت میشوند ... " (۱۴)

شیخ حسن خان جابری انصاری در کتاب تاریخ اصفهان

یا قوت حموی متوفی ۶۲۶) عینا " گفته اصطخری را نقل نموده یا اینکه باور داشته باشیم که در قرن نهم هجری هنوز اسلام در اردستان رسوخ کامل نکرده است .

تعبیر دیگر میتوان این باشد که آتشکده وجود دارد ولی از فعالیت افتاده است بهر صورت اگر گفته اصطخری را بپذیریم (۶) و اعتماد باین قول بنمائیم که خرابه های ساختمان قلعه و آتشکده میان آن تا اواخر قرن سیزدهم هجری وجود داشته و از طرفی هم اصطخری و پس او از مقدسی وجود مسجد جامع و قلعه و آتشکده را تواما " در قرن چهارم ذکر مینماید. باین فرض میرسیم که مسجد جامع جای آتشکده را اشغال نکرده است. بلکه در فضائی مجاور یا داخل آن قلعه ساخته شده است (۷) بهر صورت در اینکه مسجد بر روی زمین بکر پنهان شده است شکی باقی نمانده است . چون در هر نقطه از مسجد جامع فعلی جهت پی گردی مسجد اولیه (قرن دوم ، سوم یا چهارم ؟) کاوش شد به آثار ساختمانی یا ساختمانهائی برخورد شد که مسجد بر روی آن بنیان گذارده شده است .

کیفیت ساختمانی آثار یافت شده با آجرهای خشتی مربع 32×32 با ملاط گلی و اندود گچ بر روی نماهای آن و زاویه ای در یک جهت حکایت از ساختمانی عظیم و یکپارچه دارد . سطح کف ها در سراسر عرصه نسبت به کف مسجد اولیه حدود ۵ الی ۴ سانتیمتر پایین تر است . در بعضی قسمتها به زیر زمین هائی منتهی میگردد (۸) در بعضی از قسمتها (گوشه شمال غربی) از دیوار ساختمان قدیمی بعنوان دیوار مسجد اولیه نیز استفاده شده است . در گوشه غربی نمای یکی از قوسهای ساختمان قدیمی حتی از کف مسجد به بالا دیده میشود . که داخل آن پر شده و بعنوان دیوار مسجد در آمده است .

گوید " در محله محال مسجدی وجود دارد از بناهای عمر بن عبدالعزیز (ظاهرًا " (۱۵) از ابودلف میباشد که در اصفهان سلطنت داشته است ؟) (۱۶) این بدان مفهوم است که شیخ جابری انصاری مسجد جامع (اولیه) را متعلق به قرن دوم - سوم هجری میدانسته است . و این نظر چنانکه خواهیم دید چندان بیگانه با آنچه در بررسیهایمان بآن رسیده‌ایم نیست .

بررسیهای مربوط به تعیین نقشه مسجد جامع اولیه اردستان با آهنگی آرام و هم زمان با تعمیرات استحفاظی استحکامی مسجد از ۱۳۵۳ بتدریج صورت گرفت و در سال ۱۳۵۵ پایان یافته است . آنچه بعنوان نتیجه این بررسیها میتوان گفت شامل رئوس کلی زیر است :

- ۱- مسجد اولیه دارای حیاطی مرکزی با وسعتی کم و بیش برابر حیاط فعلی بوده (۱۷)
- ۲- شبستانهای ستون دار حیاط را از چهار طرف احاطه نمیکرده است .
- ۳- شبستانهای شمالی و جنوبی (قبلی) دارای پنج دهانه بطرف حیاط و سه چشمه عمق داشته است (۱۸)
- ۴- دهانه میانه شبستانهای شمالی و جنوبی دارای عرضی بیشتر از سایر دو دهانه طرفین خود میباشد .
- ۵- شبستانهای شرقی و غربی دارای شش دهانه بطرف حیاط و دو چشمه عمق بوده است (۱۹)
- ۶- از نقطه نظر ساختمان ستونها ، شبستانها دارای تفاوتهای مشخص است که بنظر می آید مربوط به دوره های ساختمانی متفاوت مسجد اولیه میشود که بطریق زیر قابل تفکیک و بررسی است :

— ستونهای شبستان جنوبی

— ستونهای شبستان غربی و شمالی

— ستونهای شبستان شرقی

ستونهای شبستان جنوبی دارای قطری (۲۰) بزرگتر از ستونهای سایر شبستانها (۲۱) است و ساختمان آن از آجرهای متفاوت از ستونهای دیگر است (۲۲)

طرز ساختمان ستونهای شبستان جنوبی حتی متفاوت با سایر ستونهای شبستان های دیگر است . باین طریق که مشابه با ستونهای ساسانی تپه میل و مسجد تاریخانه دامغان بصورت لایه های افقی و عمودی کار شده است . از نقطه نظر ساختمانی و مصالح بکار برده شده ستونهای شبستانهای غربی و شمالی دارای یک ترکیب میباشد با این تفاوت که نمای ستونهای شبستان شمالی را گچبریهای تزئین مینموده (۲۳) در صورتیکه نمای ستونهای شبستان غربی گچ اندود ساده ای فرا میگرفته است .

چنانکه خواهیم دید نمای ستونهای شبستان جنوبی را نیز گچ بریهای تزئین نمیکرده است .

ستونهای شبستان شرقی ، برخلاف سایر شبستان که استوانه‌ای میباشد ، منشورهائی هشت ضلعی است که اندودی از گچ نمای آنرا میساخته است .

۷- همانگونه که در مقدمه این گزارش گفته شد بلافاصله زیر لایه مسجد اولیه در تمام سطح عرصه آن لایه ساختمان خشتی عظیم بیش از مسجد قرار دارد .

دیوارهای این بنای کهن گاه بر روی سطح مسجد اولیه ظاهر میشود و این در مواردی است که از آن بعنوان دیوار خارجی مسجد اولیه استفاده شده است .

موارد آن را در گوشه شمال شبستان غربی و دیوار گوشه شمال شبستان شرقی میتوان بخوبی دید .

۸- وسعت مسجد اولیه در جنوب تا محاذات سردر اصلی جنوب غربی ادامه داشته است (محور ۱ نقشه شماره ۱ پیوست) و بدنه شرقی مسجد اولیه را دیوار غربی دالان

ورودی شرقی و امتداد ایوان شرقی مسجد فعلی تا برخورد آن به دیوار شمالی میساخته است (۲۴)

در دیوار غربی و شمالی مسجد تغییر حاصل نشده و با احتمال زیاد محدوده مسجد اولیه در شمال و غرب وضع فعلی را داشته است .

۹- از اینرو گسترش مسجد جامع در دوره های بعد صرفاً " جهت جنوبی (۲۵) و شرقی (۲۶) بوده است .

۱۰- در گوشه شمال غربی بساخرمان کوچک و مجزائی (۲۷) برخورد شد که نماز خانه بوده است . که در حال حاضر در فصل مشترک مسجد و مدرسه علمیه قرار دارد . برخورد به آثار محرابی در جهت قبلی این ساخرمان نماز خانه بودن آنرا تا حدی تأیید مینماید .

در ورودی فعلی باین فضا از مسجد جامع محل محراب بوده است که آنرا تخریب و در ورودی را در محل آن ساخته اند . ساخرمان نماز خانه با توجه بوضع ساخرمانی آن و تزئینات باقیمانده محراب در صورتیکه همزمان مسجد اولیه نباشد از آن جدیدتر نیست .

البته پوشش آن تجدید ساخرمان شده است ولی دیوارها و قوسهای خشتی پائین آن دست نخورده باقیمانده است . ۱۱- بقایای مسجد اولیه اعم از ستونها و پوشش بیشتر در دالان ورودی جنوب غربی ، شبستان غربی و شبستان شمال شرقی دیده میشود .

۱۲- تزئینات گچبری مسجد اولیه با تنوع و تفاوتها در طرح و پرداخت بر روی قوسهای دالان ورودی جنوب غربی گوشوارهای ستونهای باقیمانده از مقصوره مسجد (طرفین ورودی از ایوان جنوب به شبستان ریر گنبد سلجوقی) دو ستون کنج در گوشه جنوب غربی و شمال غربی ، ستونهای گرد ایوان شمالی ، ازاره دیوار شبستان شمال شرقی دیده میشود . کتیبه ای با تزئینات دیواری که احتمالاً " متاخرتر

از سایر گچبریهای ذکر شده است در دو گوشه جنوب غربی نیم طبقه شبستان جنوب غربی قابل ملاحظه است . در کاوشهای موضعی شبستان شمالی آجرهای نقاشی شده برخورد شد که احتمالاً " مربوط به طاق گهواره ای همین شبستان است . ۱۳- آنچه از تزئینات آجری دیده میشود بطور مختصر

در سردر ورودی و نمای ستونچه های ستونهای بر حیاط شبستان غربی و ستون چراغدان دالان غربی است .

۱۴- بررسی ما نشان میدهد که ساخرمان مسجد کلا " از آجر و ملاط گچی ساخته شده بوده است جز دیوارهای خارجی آن که از آجرهای خشتی قطور بنا گردیده بوده است (۲۸)

● فصل دوم

● دوره های ساخرمانی مسجد با توجه به کتیبه های

تاریخ دار موجود و بررسیهای اولیه انجام یافته

پیش از بحث تفصیلی درباره جزئیات مسجد جامع اولیه اردستان لازم می بیند نکاتی را درباره دوره های ساخرمانی مسجد جامع فعلی با توجه به کتیبه های موجود در مسجد و بررسیهای را که در سالهای اخیر انجام داده ام عنوان نمایم :

۱- کتیبه زیر گنبد

قدیمی ترین تاریخی که در مسجد بآن برخورد شده است تاریخ ۵۵۳ هجری است که در کتیبه گچبری شده بخط نسخ زیر گنبد بشرح زیر دیده میشود :

پس از آیه " انما یعمر مساجد الله ان یکون من المهدتین " عبارت " امر ببناء هذه القبه و القات الاربعه المتصله بها و الصفات التي امامها العبد الضعیف الراجی رحمه الله تعالی ابوظاهر الحسین بن غالی بن احمد تقبل اله منه و غفر له و لوالديه علی پیدالاستاد محمود الاصفهانی معروف بالغازی فی سنه ثلاث و خمسين و خمسمائه " آمده است .

۲- کتیبه ایوان جنوبی

و سپس بهمان خط نسخ و شیوه پرداخت در ایوان جنوبی

متصل به گنبد در کتیبه بر طاق گهواره‌های بتاریخ ۵۵۵ بر میخوریم پس از ذکر آیه الکرسی " الله لا اله الا هو الحی القيوم و هو العلی العظیم " عبارت " امریناء هذه الصفة ایضا و الرواق التي عن يمينها والرواق التي عن يسارها العبد الضعیف ابو طاهر الحسين بن غالی بن احمد تقبل الله منه علی ید الاستاد محمود فی سنة خمس و خمسمائة و خمسين "

۳- کتیبه های محرابهای سه گانه شبستانهای جنوبی

در کتیبه‌های محرابها که بخط نسخ است بعلمت سائیدگی

سال تاریخی قابل قرائت نیست (۲۹)

مرحوم آندره گدار با توجه به مشاهدات خود فرضی را در مورد مسجد جامع اردستان و زواره بنیان نهاده که با توجه به استدلالهایی که ارائه میدهد کاملا " بی اساس و قابل تردید مینماید : (۳۰)

مرحوم گدار پس از یک بحث مبهم درباره گنبد مسجد

جامع اردستان و زواره چند نتیجه مهم زیر را میگیرد :

- که بنای گنبد دار مسجد جامع اردستان متعلق بتاریخ

عیر مشخص است که حدود انتهای سلطنت ملکشاه (۴۸۵-۴۶۵ هجری) میباشد .

- مسجد جامع اولیه اردستان که در حدود ۵۳۳ هجری

بیک مسجد چهار ایوانی تبدیل شده است . قدیمترین بنای مسجدیست که بمسجد چهار ایوانی تبدیل یافته است .

- اینکه مسجد جامع زواره دارای قدیمترین طرح مساجد

چهار ایوانیست که بصورت یک دسته ساخته شده است .

چنانکه خواهیم دید استنتاجات آقای گدار در هیچیک

از موارد فوق وارد نیست بخصوص در مورد مسجد جامع اردستان که موضوع بحث گزارش ما است .

اینکه ساختمان گنبد و ایوان مسجد جامع اردستان در

دو زمان متفاوت ساخته شده است شکی نیست چون تاریخ

کتیبه‌ها و شواهد ساختمانی این موضوع را ثابت مینماید ولی

اینکه ساختمان گنبد تاریخی را داشته باشد که گذار مدعی آنست جای شک بسیار باقی است و احتمال اینکه همان سال ۵۳۳ درست باشد به واقعیت و شواهد عینی موجود نزدیکتر است . در بحث مربوط به ساختمان گنبد خواهیم دید که وضع ساختمانی آن با ساختمان گنبد های مسجد جامع اصفهان تفاوت مشخصی را ارائه مینماید که خود تحولی در ساختمان گنبد ها در ایران میباشد و با احتمال آغاز ساختمان گنبد های دو پوشه‌ای باشد .

دیگر آنکه بررسیها و مدارکی که از ساختمان ایوانهای

مسجد جامع اردستان بدست آمده بهیچوجه ادعای آقای گدار

را ثابت نمیکند که مسجد در سال ۵۵۵ تبدیل به مسجدی چهار

ایوانی شده باشد بلکه در آن سال تنها ایوان جنوبی احداث

شده و ایوانهای دیگر مربوط به دوره‌های بعد میشود . برای

مثال کاوشها نشان میدهد که پایه‌های صفوی ایوان شمالی

مسجد مستقیما " و بلافاصله بر روی آثار مسجد اولیه بر پا شده

این موضوع را کتیبه ایوان شمالی نیز تأیید مینماید .

۴- کتیبه‌های ایوان شمالی معروف به صفا

کتیبه گچبری شده بخط ثلث واقع بر جانب غربی ایوان

شمالی و کتیبه مجاور آن بشرح زیر است : (۳۱)

" اما بعد حمداله تعالی المحمود فی کل فعاله والصلوه و

السلام علی النبی محمد و آله فقد سعی واهتم ببناء هذه الصفة

والغرفات المتصلات شرقیا و غربیا " و شمالیا " فوقانیا " و تحتانیا "

من خالص ماله خالصا " لله تعالی و طلب المرضاته المحتاج الی

الملك الباری علی بن احمد الطباطبائی الزواره‌ای تقبل الله

حسانه و غفرله ولوالديه سنة ست و اربعین و تسعمائة " .

و کتیبه مجاور آن : لافتی الاعلی لاسیف الی ذوالفقار

عمل حیدر علی معمار اردستانی ۹۴۶

۵- سنگ نبشته ایوان شمالی

سنگ نبشته‌ای مرمرین بابعاد ۱۵×۲۴ سانتیمتر که با احتمال

قوی مربوط به ایوان شمالیست در سال گذشته توسط دوست گرامی آقای حاج سید نصراله هاشمی در اختیارم گذارده شد. که بر روی آن بخط نستعلیق اشعار زیر نوشته شده است (۳۲) مقبول خدا و مصطفی سلطان بیک (۳۳) هم چاکر شاه اولیا سلطان بیک در دور ظهور شاه ولی طهماسب شد ساعی صفا سلطان بیک فی سنه اربع و سبعین و تسعمائه

چنانکه ملاحظه میشود در مورد ساختمان و بنای ایوان شمالی به دو تاریخ و نام دو شخصیت در فاصله زمانی بیست و هشت سال بر میخوریم اولی که مربوط به سال ۱۹۴۶ است تصریح دارد که علی بن احمد طباطبائی زواره‌ای از مال خالص خود ایوان و غرفه های متصل بآن در جهت شرقی، غربی و شمالی و در دو طبقه را بنا کرده و دیگری در سال ۹۷۴ توسط سلطان بیک بدون ذکر آنکه مشارالیه چه اقدامی را دقیقاً در ایوان انجام داده است.

چنانکه شواهد ساختمان‌ی در پوشش ایوان نشان میدهد احتمال داده میشود که سقف ایوان و بخصوص بخش قدیمی آن بطرف صحن در سال ۹۷۴ دچار ضایعات زیاد شده و احتمالاً ریخته باشد و سلطان بیک آنرا تعمیر کرده باشد. و در تزئینات سقف بطور کلی دخل و تصرفاتی نموده باشد.

۶- نوشته در ورودی مربوط به ایوان شرقی (ایوان معروف به ایوان امیر جمله (الملک) در کتاب آتشکده اردستان تالیف ابوالقاسم رفیعی مهر آبادی از دری چوبی مربوط به ایوان شرقی ذکر مینماید که "متأسفانه چند سال پیش (تالیف کتاب مربوط بسال ۱۳۳۶ می باشد) آنرا تبدیل بمیز و نیمکت برای دبیرستان نموده اند " (۳۴) و بر روی آن بیت شعری بشرح زیر حک شده بوده است :

ساخت این رکن مسجد صفا جمله الملک آن سعید لقا (۳۵) در این بیت شعر برخلاف سایر کتیبه های دو ایوان دیگر که از آن یاد شد صراحت بساختن ایوان و یا صفا ندارد بلکه

سخن از ساختن رکن مینماید که خود ممکن است مراد از آن ایوان، گنبد شرقی آن، یا شبستان کوچک جنوب شرقی آن و یا توسعه مسجد در شمال شرقی ایوان که سردر شرقی را از حسینیه شامل میشود باشد و یا علی الاصول توسعه مسجد را در فاصله دو سردر جبهه شرقی تا محاذات ایوان شرقی دانست. گرچه تمام این احتمالات ممکن است شامل ساختمان ایوان شرقی نیز باشد. بهر صورت در اینکه سقف ایوان شرقی از مستحدثات دوره بعد از قرن ششم هجری است. جای هیچگونه شکی باقی نیست. بررسیهای ما نشان میدهد که پوشش ایوان شرقی حتی پس از دوره اول ساختمانی (که احتمالاً صوفیست) دوباره بازسازی شده است و این امر از طریق معاینه آثار کنج سازیها در ایوان های کوچک جنوبی طبقه فوقانی آن قابل تحقیق است.

در ایوان غربی گرچه تزئینات و کتیبه های مفصلی بطور مسلم مربوط به دوران صوفیه باقی است ولی تاریخی دال بر سال احداث در آن هنوز یافت نشده. امیدواریم در ضمن انجام تعمیرات تزئینات و بخصوص کتیبه دور ایوان بنام بانی و سال احداث آن برخورد نمایم. از طریق انجام مطالعات تطبیقی تزئینات ایوان با مدرسه کاسه گران و مدرسه نیم آورد آنچه را که آقای رفیعی مهرآبادی (۳۶) میگوید نمیتوان دور از واقعیت دانست و ساختمان ایوان را به تاریخی بسالهای اول قرن دوازدهم هجری (۳۷) منتسب نمود.

بدین طریق و با توجه به مطالب فوق و بدون اصرار بر آنچه مرحوم آندره گدار درباره سلجوقی بودن چهار ایوان میگوید تاریخ چهار ایوان را به ترتیب زیر میتوان بر شمرد:

- ۱- ایوان جنوبی ۵۵۵ هجری قمری
- ۲- ایوان شمالی ۹۴۶ هجری قمری
- ۳- ایوان شرقی پایان قرن یازدهم هجری قمری
- ۴- ایوان غربی اوائل قرن دوازدهم هجری قمری

روی این اصل تنها یک ایوان از چهار ایوان را بطور قطع و یقین میتوان به دوره سلجوقیان نسبت داد و در مورد سه ایوان دیگر بدون شک این اظهار را میتوان کرد که حداقل دارای سقفهایی از دوره صفویه و متاخرتر از آنست (۳۸)

چنانکه در بررسیهای تفصیلی ارائه خواهد شد در غیر سلجوقی بودن ایوانهای شرقی، غربی و شمالی مسجد جامع اردستان تردید زیادی باقی نمانده و آن قسمت از مسجد که بیش از سایر قسمتها در دوره سلجوقیان (۳۹) دچار دگرگونی کامل گردید بخش جنوبی آن بود و مسجد در این دوره تنها یک ایوان بزرگ در جبهه جنوبی (قبلی) داشته و بقیه شبستانها و نماهای جبهه ها با کمی دخل و تصرف در این دوره هیأت اصلی خود را (شبستانهای ستوندار) حفظ نموده بوده است. و بیش از یک قرن و نیم طول میکشد تا چهار ایوان مسجد ساختمانش با تمام رسد و مسجد در آغاز قرن دوازدهم هجری در هیأت مسجدی چهار ایوانی تجلی مینماید. بادر نظر گرفتن این مقدمه آنچه را که مرحوم آندره گدار درباره تاریخ چهار ایوان مسجد جامع میگوید و نیم قرن است که بدون تغییر از او نقل میگردد اکیدا "باید مورد تردید قرارداد و تجدید نظر درباره آنرا مورد مطالعه قرار داد."

۶- یادگارها

بر روی لایه های گچی مربوط به دوره های مختلف در شبستانهای مسجد جامع اردستان و بخصوص شبستانهای جنوبی مجموعه ای عظیم از یادداشتها و یادگارهای مردم از طبقات مختلف و در دورانهای گوناگون وجود دارد که اشاراتی ارزنده به زندگی اجتماعی هر دوره و میزان رونق مسجد در هر زمان دارد. و بررسی این یادداشتها جای بحث جداگانه دارد که مطمئنا "انجام آن در مطالعه نقش مسجد جامع در شهر اردستان در دوره های گوناگون اهمیت خاصی خود را دارد. از طرفی از طریق مطالعه نوشته و تاریخهای ذیل آن میتوان تا میزان

زیاد بدوره ساختمانی بعضی از قسمت های مسجد پی برد بخصوص تاریخ احداث نیم طبقه ها در شبستانهای مختلف مسجد. ذیلا " به بعضی مشاهدات خود اشاره خواهد کرد:

— بر روی بدنه ستون استوانه مرکزی باقی مانده از مسجد اولیه در دالان جنوب غربی و در ارتفاع زیر سر ستون خطوط (یا اعدادی) مشاهده میشود که روی نمای گچی حک شده که مربوط به زمان نیست که نیم طبقه در این قسمت از مسجد بوجود نیامده (دوره بعد از ۵۵۵ ه. ق) و یا احتمالا "مربوط به زمان نیست که مسجد اولیه بصورت اصلی خود باقی بوده و دخل و تصرفات قرن ششم هجری در آن صورت نگرفته است. این خطوط (که من آنرا خطوط شجری نامیده ام) بشکل زیر است:

— بر روی ازاره گچی بدنه جنوب غربی شبستان زیر گنبد یادگارها و تاریخهای زیادی از اواخر قرن هشتم و نهم بجا مانده که قدیمترین آن ۷۹۲ هجری قمری است بشرح زیر:

سردر بر خاک آستان تونهم دل در خم زلف دلستان تونهم
 المحرم سنه اثنی و تسعین وسبعمائہ
 — و دیگری " یوم الجمعة غره جمادی الاول بود که
 مبارک حضرت خطبه خوانده شد فی سنه ثلث
 فثمانیه مائه "

— و " فی غره المبارک سنه تسع فثمانمائہ "
 — و " روز جمعه نهم ماه ربیع الثانی عشره
 فثمانمائہ "
 — و " در عاشر شهر صفر ختم بالخیر و الظفر سنه اربع
 عشر فثمانمائہ " بود که این طالع سعد مبارک شد انشالله تعالی
 صوره العبد انداعی "
 — و " در عاشر شهر صفر ختم بالخیر و الظفر سنه تسع
 و بود که این ضعیف خطبه خواند انشالله که مبارک
 باشد " این حک بر روی گچ حک شده است .

— و " تسع و ستین و ثمانمائہ "

— و " صورہ العبد الحقیر الفقیر فتح الدین "

نوشته شد در ششم ماه مبارک ثمانه ستین و ثمانمائہ "

یادگارهای فوق که غالباً "مربوط به ایراد خطبه در روز جمعه در مسجد جامع اردستان میباشد بر روی لایه گچ اندودی است که تا حد ازاره نمای آجری شبستان سلجوقی را میپوشاند این لایه گچی در شبستانهای شرقی و غربی پیوسته به شبستان زیرگنبد ادامه دارد و مربوط به زمانی میشود که نیم طبقه در این شبستانها ساخته شده بوده است .

برروی این لایه در شبستانهای شرقی و غربی مجاور گنبد دو لایه دیگر گچی وجود دارد که لایه روئی مربوط به دوره قاجاریه است . چون در شرائط فعلی بعلت صدمه ای که ممکن است لایه های زیرین ببینند از اقدام به برداشتن و بررسی آن خودداری گردیده ذیلاً " تنها به ارائه چند نمونه یادگار از لایه روئین اکتفا میگردد :

" چون نیست در این دیار ما را یاری

از گردش ایام ندارم کاری

میگردم مینویسم از درد فراق

احوال دل خویش بهر دیواری

المذنب الحقیر ملا محمد رضای یزدی شبیه ساز بتاریخ یوم

یکشنبه چهاردهم محرم الحرام سنه ۱۲۵۱ با دو شاگرد "

— و یا در جای دیگر بر بدنه اولین ستون شرقی ایوان

جنوبی یادگاری بدین مضمون دیده میشود :

" یادگار کمترین خلق الله محمد علی اصفهانی پبله ور در

این قصبه اردستان الیوم که یوم چهارشنبه بیست و یکم شهر

رمضان المبارک میباشد و سنه ۱۲۴۲ باشد حساب کردیم ده

سال و کثری (هکذا) میباشد که در این ولایت بوده ام و لکن

هم اهل این قصبه حق بگردن حقیر دارند و هم حقیر حق به

کردن اهل این قصبه استدعا دارم که هر که این

خط را مطالعه کند کمترین بدعا یاد آوری نماید عندالله

و عند الرسول ضایع نخواهد شد " .

● فصل سوم

● شرح تفصیلی مسجد جامع اولیه با توجه به پی گردیهای

سالهای ۵۳ تا ۱۳۵۷

پیش از این اشاره ای داشتیم به چگونگی و وسعت مسجد جامع اولیه و گفتیم که مسجد اولیه دارای یک صحن بوسعت صحن فعلی و چهار شبستان ستوندار در چهار طرف آن بوده است . عمیق ترین شبستان آن بطرف قبلی که دارای سردیف ستون و پس از آن شبستان شمال (غربی) که آنهم نیز عمیق سردیف ستون و سپس شبستانهای (جنوب) شرقی و (شمال) غربی که دارای عمقی یکسان با دو ردیف ستون بوده است . مسجد را دیواری خشتی قطور محصور میساخته است . محصوره مسجد بعلت محدودیت عرصه زمین دارای شکل هندسی غیر منظم بوده که از آن برهای شمالی و غربی تا حدی بشکل اصلی باقیمانده و برهای دیگر بعلت گسترش مسجد در دوره های بعد از حالت اولیه خارج شده است . اینک به یافته های خود در هر جبهه به تفصیل بشرح زیر اشاره خواهیم کرد :

الف - جبهه قبلی (جنوب غربی)

جبهه قبلی مسجد تا محاذات سردر جنوب غربی که تنها

سردر باقیمانده از مسجد اولیه است ادامه دارد (۴۰)

همانگونه که قبلاً " در مقدمه این گزارش اشاره کردیم

ساختمان بخش جنوبی مسجد جامع اولیه اردستان دارای

مشخصاتی است که آنرا از سایر قسمتها متمایز میسازد .

بدین معنی که ابعاد ستونها ، نوع آجرهای بکار برده شده

در ساختمان آن و ترکیب ساختمانی ستونها و نیز نوع گچ بریهای

باقی مانده دلالت بر تقدم تاریخ احداث این بخش از مسجد

را بر سایر قسمتها دارد .

آجرهای کار برده شده در ساختمان ستونهای شبستان

جنوبی ، که تنها در این بخش از مسجد دیده میشود دارای ابعادی برابر $24 \times 42 \times 8$ سانتیمتر است که با ملاطجی کار شده است. طرز ساختمان ستونها که در ستونهای دهانه مرکزی بر حیاط کاملاً "مشهود بود مشابه ستونهای مسجد تاریخانه دامغان و تپه میل با کاربرد لایه های افقی و عمودی آجر ساخته شده است. ستونهای مسجد در این شبستان قطورتر از ستونهای سایر شبستانها و برابر با 125 سانتیمتر است (۴۱) در صورتیکه قطر ستونهای شبستانهای دیگر معادل 115 سانتیمتر است.

شبستان جنوبی دارای عمقی بیش از سایر شبستانها (1600 متر) و ساختمان آن بر سه ردیف ستونها و دیوار خشتی قبلی استوار بوده است.

چنانکه از بقایای ساختمان پا برجای شبستان در فاصله دالان ورودی جنوب غربی و شبستان دیده میشود. شبستان دارای طاقهای گهواره‌ای عمود بر حیاط بوده است که احتمالاً "در بخش مقصوره (محل محراب و منبر) مانند مسجد جامع نائین به گنبدی تبدیل میشده است.

این استنباط چنانکه خواهیم دید از طرز ساختمان ستونهای مقصوره حاصل میشود.

ستونها بطور کلی در شبستان جنوبی دالان بنا به موقعیت قرار گرفتن در نقشه ساختمان و کاربرد آن اشکال و مقاطع مختلف بخود میگیرد که بشرح زیر قابل مطالعه است:

الف - ستونهای بر حیاط دارای مقطعی نیم دایره بطرف داخل بمنظور هماهنگی با ستونهای استوانه‌ای داخلی و برشی چهار گوش بطرف صحن مانند سایر ستونهای بر حیاط در قسمتهای دیگر.

ستونهای بر حیاط بخاطر وجود نیروهای مایل افقی دارای عمقی بیشتر و تنومندتر است. و ابعاد آن برابر $2/54 \times 1/25$ متر میشود (۱) شبستان (مانند مسجد تاریخانه)

جنوبی دارای پنج دهانه و شش ستون در نمای خود بطرف صحن بوده است که تعداد چهار ستون آن دارای مشخصات فوق بوده و دو ستون واقع در دو گوشه شرقی و غربی هر یک دارای ویژگیهایی متمایز با ستونهای میانی بوده است. از ستونهای نما تنها یک ستون گوشه جنوب غربی (صحن) باقیمانده است. که ترکیبی است از دو ستون (دو قلو) و خوشبختانه تمام جزئیات آن (ته ستون، تنه و سر ستون بانضمام گچ‌ریپها) پا برجا است.

این ستون همراه با ستونهای واقع در امتداد آن بداخل که بدنه شرقی دالان ورودی را میسازد و نیز پوشش دالان تنها بخشی از مسجد اولیه است که در جریان دخل و تصرفات بعدی (۴۲) در امان بوده است.

فاصله محور تا محور جز دهانه میانی برابر $4/20$ متر است، دهانه میانی مقابل مقصوره قدری گشاده تر و برابر $4/90$ متر است. این گشاده تر بودن دهانه میانی نمای قبلی چنانکه خواهیم دید بر روی دهانه میانی در نمای شمالی نیز تکرار میشود و موضوعی است که در مسجد جامع اصفهان (مسجد دوره معتصم به بعد) در مسجد جامع نائین، در مسجد تاریخانه و در مسجد جامع فهرج مشاهده میشود (۴۳) بزرگتر بودن دهانه میانی طبعاً "بعثت بیشتر بودن خیز قوسی طاق آن باعث ارتفاع بیشتر نما در بخش میانی و در نتیجه تاکید بر جهت قبله بوده است.

ب - ستونهای داخلی ردیف دوم

از این ردیف ستونها که تعداد آن شش ستون استوانه‌ای بوده است تنها یکی پا برجا است که در بدنه شرقی دالان ورودی جنوب شرقی قرار دارد.

آثار دو ستون استوانه‌ای در کف ایوان یافت شد و سه ستون دیگر در جریان عملیات ساختمان جرزه‌های ایوان جنوبی و رواق غربی آن محو شده است.

ج- ستونهای داخلی ردیف سوم

از این ردیف ستونها که تعداد آن نیز شش ستون بوده است تنها یکی پا برجا است که در بدنه شرقی دالان ورودی جنوب شرقی قرار دارد. آثار دو ستون از شش ستون مذکور با مقطعی چهار گوش و گوشوار دار مربوط به ساختمان مقصوره در مدخل ایوان به زیر گنبد موجود است و سه ستون دیگر (که احتمالاً " استوانه‌ای بوده‌اند) در جریان عملیات ساختمان جرزه‌های گنبد و چهار قبه شرقی آن محور گردیده‌اند. دو ستونچه گچبری شده طرفین مدخل گنبد از ایوان مربوط به بقایای گوشوار ستون چهار گوش مقصوره مسجد اولیه است (۴۴).

بدین معنی که ستون مذکور بهنگام ساختمان گنبد وجود داشته و زمانی که ایوان جنوبی را بدنبال ساختمان گنبد میخواستند، احداث نمایند آن قسمت از آنرا تراشیده‌اند که در داخل ایوان قرار میگرفته و گوشوار ستون را در داخل جرزه گنبد بحال خود رها کرده‌اند و روی بدنه تراشیده شده ستون را در داخل ایوان با گچبری پوشانده‌اند.

د- دیوار قبلی

بمحاذات سردر جنوب غربی مسجد اولیه آثار دیوار خشتی قطری وجود دارد. که تنها سر جرزه‌های طرفین محراب بابعاد (۳۱×۱۲۵ سانت) که جابگوی ستونهای چهارگوشی قرینه آن میباشد از آجر است. از محراب مسجد اولیه متاسفانه بعلت آنکه از دیوار خشتی تنها یک لایه خشت باقیمانده تنها حفره‌ای مختصر در بدنه دیده میشود و اثر مهم دیگری مشهود نیست.

دیوار خشتی قبلی بر روی بنای خشتی دیگر بنا شده که همانگونه که گفته با آثار آن در تمام عرصه مسجد برخورد میشود. و ساختمان آن خارج از دیوار جنوبی مسجد اولیه نیز ادامه دارد. و کف آن حدود ۸۵ سانت از کف گنبد قرن

ششم پائین تر قرار دارد.

قطر دیوار قبلی مسجد اولیه در آنجا که ساختمانی مشخص دارد حدوداً "دو خشت و نیم (هر خشت ۳۸×۳۸ سانت) معادل یکمتر است.

تغییر شکل ستونها از استوانه به مکعب مستطیل با گوشوارها در قسمت مقصوره با احتمال زیاد حکایت از تغییر نوع پوشش از شکل گهواره‌ای به گنبد بر روی مقصوره دارد (۴۵) با توجه باینکه فاصله دیوار قبلی با آخرین ستون کمتر از فاصله دو ستون ردیف‌های دیگر است و اینکه فاصله در محور دو ستون میانی (مقابل مقصوره) شبستان جنوبی پیش از فاصله ستونهای دیگر آنست گنبد روی مقصوره بر زمینه‌ای مستطیل ساخته شده بوده است (۴۶) و (۴۷)

ه- دیوار شرقی

پای دیوار شرقی رواق شرقی گنبد به آثار دیوار خشتی قطری برخورد کرده آجر فرش کف شبستان جنوبی مسجد اولیه بآن متصل بود. این دیوار حد شرقی شبستان جنوبی را تشکیل میداده است. قطر دیوار سه خشت (۳۵×۳۵ سانت) میباشد و با جهت قبلی، فعلی مسجد انحرافی در حدود درجه دارد. ارتباط دیوار خشتی جنوبی و شرقی شبستان در جریان توسعه و بازسازی مسجد در قرن ششم هجری محور گردیده است.

امتداد این دیوار خشتی در شرقی مسجد اولیه تا پشت جرزه‌های ایوان شرقی (در جنوب) ادامه دارد. و نشانگر آنست که عمق شبستان شرقی مسجد اولیه در این قسمت بسیار محدود بوده است.

زاویه انحراف دیوار نسبت بقبله نظیر انحرافیست که دیوار غربی مسجد (مجاور سردر اصلی) با قبله دارد. که هر دو با انحرافی که امتداد دیوارهای ساختمان خشتی پیش از مسجد اولیه دارد تا حدودی برابری میکند. این بدان معنی

است که احتمالاً "جهت دیوارهای شرقی و غربی مسجد در این قسمت انعکاس یافت ساختمان پیشین بر روی محدوده عرصه مسجد است .

۲- شبستان غربی

شبستان غربی دارای دو ردیف ستون و دو چشمه عمق است . ولی این عمق در اولیه دهانه جنوبی و شمالی بعلت محدودیت زمین کمتر میشده است . از ردیف ستونهای بر حیاط تنها دو ستون کنج شمالی و جنوبی پا برجاست و از ردیف ستونهای داخلی سه ستون دست نخورده با قیمانده که از آن ستون مقابل در مناره تمام جزئیات آن تا زیر طاق گهواره‌ای قابل رویت است .

پی‌گردیهایی انجام یافته در این شبستان برخلاف شبستان جنوبی طرح و موقعیت کلیه ستونها را مشخص نمود (۴۸) ستونهای بر حیاط دارای نقشه‌ای خاص میباشد که در سایر ستونهای برحیاط دیگر شبستانها دیده نشد .

بدین طریق که نمای بطرف حیاط دارای دو ستونچه در گوشه آن و نمای داخلی آن نیم هلال میباشد که با ستونهای استوانه‌ای ردیف داخل هماهنگی داشته باشد .

قطر ستونهای استوانه‌ای برابر ۱۱۵ سانتیمتر است که از ستونهای شبستان جنوبی بمیزان ده سانتیمتر لاغرتر میباشد .

۳- شبستان شمالی

شبستان شمالی طرح ستون‌بندی شبستان جنوبی را تکرار میکرده جز آنکه فاقد مقصوره بوده و ستونهای داخلی شبستان همگی استوانه‌ای شکل بوده‌اند . از ستونهای شبستان شمالی تنها دو ستون شرقی و غربی کنج حیاط باقیمانده است . و سایر ستونها در جریان ایجاد ایوان و رواقهای طرفین آن تخریب گردیده . ولی خوشبختانه جز سه ستون آن (۴۹) آثار سایر ستونها در پی‌گردیهایی انجام یافته یافت شد .

پی‌گردیهایی این موضوع را روشن نمود که بدنه کلیه ستونهای

داخلی (حداقل) گچبری شده بوده است . قطر ستونهای استوانه‌ای مانند ستونهای شبستان غربی ۱۱۵ سانتیمتر بوده است . و فاصله محورهای آن نیز ۴/۲۰ متر است .

۴- شبستان شرقی

شبستان شرقی نیز مانند شبستان غربی دارای شش دهانه بطرف حیاط و دو چشمه عمق بوده است (۵۰) پی‌گردیهایی این عمق راتا محاذات بدنه جنوبی ایوان شرقی محقق ساخته است و چنین به نظر می‌آید که محدودیت زمین در جنوب ایوان به بعد امکان ادامه عمق یکسان را بوجود نمی‌آورد ستونهای ردیف داخلی شبستان برخلاف سایر شبستانها استوانه نبوده بلکه منشورهای هشت ضلعی میباشد .

از این ستونها تنها دو ستون پا برجاست و آثار یکی دیگر در کف ایوان شرقی یافت شد . شبستان شرقی از جانب شمال محدود به دیواری خشتی قطوری میشود که حدگسترش آنرا از آن جهت نشان میدهد .

وجود گچبریهای آزاره آن این موضوع را محقق میسازد .

● فصل چهارم

● دوره‌های مختلف ساختمانی مسجد جامع اردستان

از آنچه گذشت دوره‌های مختلف ساختمانی مسجد جامع

اردستان را میتوان بشرح زیر بیان داشت :

۱- مسجد اولیه در تاریخی بین اواخر قرن دوم هجری تا حداکثر نیمه اول قرن چهارم هجری بر روی محدوده بناهایی (احتمالاً " ساسانی) بنا گردید . با توجه به خصوصیات ساختمانی مسجد اولیه به ظن قوی تمام طرح مسجد در یک زمان پیاده نشده است بلکه حداقل ساختمان شبستان جنوبی مقدمتر بر سایر شبستانها و شبستان شرقی را آخرین بخش ساختمانی مسجد اولیه باید بشمار آورد .

۲- اولین گسترش مسجد خارج از محدوده دوره اول

ساختمانی آن در پایان نیمه دوم قرن ششم هجری از طرف جنوب بوده است .

بدین طریق که با تخریب مقصوره کوچک مسجد و اضافه نمودن زمینی در جنوب آن ساختمان گنبد بنیان گذارده میشود .

۳- چند سال بعد با احداث ایوان جنوبی بر روی شبستان

جنوبی و نیز احداث رواقهای شرقی و غربی گنبد و ایوان بطور کلی نه تنها طرح شبستان ستوندار جنوبی بطور اساسی بهم ریخته میشود بلکه مسجد در جانب جنوب شرقی باز هم گسترش مییابد .

بدین طریق مسجد برای اولین بار دارای شبستان زیر

گنبد و ایوان وسیع جنوبی میشود و بطور کلی ساختمان شبستان

ستوندار که فضائی یک دست و یکنواخت داشت به فضاهائی

متنوع و با کیفیتهای خاص تبدیل میشود و جزرها و دیوارهای

حجیم با پوششهایی در مقیاسهای بزرگتر و دهانه‌هایی گشاده‌تر

و ارتفاعی بسیار فرازتر جای آنرا میگیرد . (۵۱)

این تغییرات نشانه از یک موج سیاسی اجتماعی کاملاً

مشخص دارد که در پایان قرن پنجم در اصفهان آغاز شده بود

و دامنه آن در قرن ششم هجری به اردستان و زواره رسیده بود .

گرچه این دگرگونیها در مقیاس فضاهای جدید برجانب

جنوبی رخ میدهد ولی صحن مسجد و سایر شبستانها در این

مرحله دست نخورده باقی میماند (۵۲)

۳- مرحله سوم ساختمانی که بنوبه خود ابعاد گسترده‌ای

دارد در جهت دنبال نمودن فکر محو نقشه شبستانهای ستوندار

در جنبه شرقی و غربیست .

در این مرحله شاید بدلیل ضعف ساختمان اقدام به

تقویت ستونها میشود تا حدی که جزرها و دیوارهایی قطور

جایگزین آن میشود (۵۳) ستونهای بر حیاط در جنبه شرقی

جز ستونهای کنج حیاط بطور کلی تخریب میگردد و ستونهای

داخلی گاه در داخل جزرها ادغام میشود . گرچه جرز بندیهای

جدید در این مرحله تا حدی منعکس کننده بافت ستون بندی

مسجد اولیه ایست ولی اتفاقی که رخ میدهد این است که محوری ها جرزهای جدید دچار جابجائی میشود . بدون آنکه بر صحن تغییری شدید آید .

طبعاً " در این مرحله ساختمانی طاقهای گهواره‌ای مسجد

اولیه که بر روی ستونها استوار بوده دچار تغییر کلی میشود و

تنها قسمتهای مختصری از آن باقی میماند که قابل نگهداری

در نظم جدید بوده است . در نظم جدید پوششها غالباً

بصورت گهواره‌ای بازسازی میشود .

مطمئناً " این اقدام ساختمانی گسترده در جنبه شرقی

و غربی قبل از ایجاد ایوانها در این دو جنبه بوده است .

هنوز بر ما معلوم نیست که دلیل این نوسازی چه بوده است .

آیا این دو جنبه از مسجد بر اثر نشست زمین (بعلت وجود

نقب ها و قناتها (۵۴) و شاید هم حادثه‌ای نظیر زلزله دچار

آنچنان ضایعه‌ای شده بوده که نگهداری وضع سابق عملاً

ممکن نبوده؟ و یا اینکه تغییر سلیقه زمان باعث این دگرگون

اساسی شده است؟ و یا اساساً " باتوجه به ضعفهای ساختمانی

که شبستانهای ستوندار مرتباً " با آن مواجه میشده است . از

این شیوه ساختمانی سلب اعتماد شده و انتخاب شیوه ساختمانی

استوارتر مورد نظر قرار گرفته است؟ (۵۵)

۴- چهارمین مرحله مهم ساختمانی را در مسجد باید

مربوط به احداث ایوانهای شمالی ، شرقی و غربی دانست .

در پی گردیها مشاهده شد که ساختمان ایوان شمالی و

بانضمام غرفه‌های شمالی غربی و شرقی آن مربوط به یک زمان

و مستقیماً " بر روی آثار مسجد اولیه بنا شده است و فحوای

کتیبه ۹۴۶ به ظن قوی با واقعیت تطبیق میکند . در ساختمان

ایوان شمالی جز در پوشش طرح ایوان جنوبی بمیزان زیادی

مد نظر بوده است با این تفاوت که ساختمانهای اطراف ایوان

بصورت دو طبقه ساخته شده میشود . و دو طبقه شدن این

بخش از مسجد با احتمال زیاد بتدریج در سایر قسمتهای مسجد

منعکس میشود ساختمان دو ایوان شرقی و غربی با انتخاب راه حلی مشابه یکدیگر ساخته میشود (۵۶) بدین معنی که دو دهانه میانی از شش دهانه بر حیاط برای دهانه ایوان انتخاب میشود سپس با حذف جزر وسط و قطور نمودن جزرهای طرفین ساختمان ایوانها برپا میشود (۵۷)

با احتمال زیاد همزمان با ساختمان ایوان شرقی و یاقرب

بان مسجد در سراسر این سمت گسترش مییابد و حسینیه پیوسته بان بوجود می آید .

ساختمان مدرسه متصل به مسجد و واقع در گوشه شمال غربی را نیز در زمره اقدامات ساختمانی همین دوره باید دانست (۵۸)

● زیر نویس ها :

- ۱) ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی در کتاب خود " آتشکده اردستان " چاپ آتشکده سال ۱۳۳۶ بخش اول صفحه ۲۳ محلات اردستان را بناهای زیر یاد میکند :
- ۱- رامیان ۲- فهره ۳- مون ۴- باب الریحی (برار) ۵- محال ۶- لب جوی کوشک ۷- بازار ۸- کبودان .
و در صفحه ۲۴ همین کتاب درباره محله محال میگوید محال چون از چند محله مرکب بوده محال خوانده شده است . زیرا مهمترین محله اردستان همان محال است .
- ۲) چنانکه در هر مورد بیان خواهد شد در هر قسمت از مجموعه که ضرورت کارهای تعمیراتی کاوشها را الزام آور ساخت در سطح زیر بنا به آثار قبلی برخورد شد .
- ۳) ایرج افشار در مقدمه خود بر ترجمه المسالك الممالک ابواسحاق ابراهیم بن محمد السفاری الاصطخری معروف به کرخی (صفحه ۱۱) انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب تهران (۱۳۴۷) بر این نکته اشاره دارد که " اصطخری دو کتاب یکی بنا صور الاقالیم (اقالیم) و دیگری موسوم بمسالک الممالک تالیف کرد . و این هر دو کتاب ماخوذ از صور الاقالیم ابوزید بلخی است " در همین مقدمه فوت اصطخری ۳۴۶ و فوت ابوزید سهل بلخی ۳۲۲ هجری قمری ذکر شده است .
- از اینرو ملاحظه میشود که عبارت " در هر محله ای قلعه ای و در هر قلعه ای آتشکده ای عبارتست با احتمال زیاد که توسط ابوزید بلخی در قرن سوم - چهارم هجری گفته شده و توسط مورخین دیگر تا قرن نهم تکرار گردیده است . با این تفاوت که فیروز آبادی در نقل گفته متقدمین خود احتمالاً " اشتباهی مرتکب شده چون یاقوت از قول اصطخری چنین نقل کرده که " در وسط یکی از قلعه های محلات آتشکده ایست " و نه در هر قلعه ای آتشکده ای .
- ۴) نقل از کتاب آتشکده اردستان صفحه ۱۳ - آقای رفیعی در نقل گفته اصطخری (مورخ قرن سوم و چهارم هجری) و در صفحه ۱۷ آتشکده عین همین گفته را یاقوت حموی گوید از قول اصطخری در مجلد اول کتاب معجم البلدان نقل شده .
- ۵) صفحه ۱۴ کتاب آتشکده اردستان نقل از کتاب نزهت الالذهان فی تاریخ اصفهان .

۶) آقای رفیعی در صفحه های کتاب خود که بآن اشاره شد درباره قلعه چنین گوید "
دراثر مرور زمان و ویرانی قلعه مزبور از طرف حاج محمد جعفر آباءه مجتهد معروف (اواخر قرن سیزدهم
هجری) بتلمیذ خود سید میرزا اردستانی که از علمای محل بوده واگذار گردید . نامبرده اخیر هم به
مصطفی قلیخان سهام السلطنه غرب (به صفحه ۲۵۸ بخش دوم همین کتاب مراجعه شود) فروخته وتبدیل
بباغ گردیده است و فعلا " معروف بباغ قلعه است " و در صفحه ۲۵ همین کتاب درباره شرح قنات ارونه
میگوید " مظهر قنات ارونه در محله محال و در قلعه میان شهر بوده است " که فعلا " به
باغ قلعه معروف است .

۷) مگر آنکه تصور کنیم که این قلعه که در قرن سیزدهم از آن یاد میشود تمام مساحت قلعه مورد نظر
اصطخری و دیگر مورخان پس از او نبوده بلکه بخشی از آن بوده و آتشکده را شامل نمیشده .

۸) زیر زمین شمال شرقی که بخشی از آن به زیر کوچه پشت شبستان ادامه دارد . پله ایکه در
شبستان شمال غربی یافت شد که تا زیر حیاط ادامه دارد .

آثار ساختمانی خشتی به خارج مسجد و تاحسینیه ادامه دارد . اطلاع ما تا این حد است چون ردیابی
تاپشت دیوار مسجد فعلی در حسینیه ادامه یافت و احتمال ادامه ساختمان بصورت گسترده ای وجود دارد .

۹) آثار ایران - انشریات اداره باستانشناسی بتصحیح و اصلاح : علی پاشا صالح استاد دانشگاه
تهران جلد اول - جزوه دوم چاپخانه مجلس ۱۳۱۶ - خورشیدی - مساجد قدیمی ایران . موضوع
سخنرانی آندره گدار در کنگره صنایع ایران (شهریورماه ۱۳۱۴) ترجمه محمد تقی مصطفوی صفحه ۹۸-۱۰۸
و نیز مقاله اردستان و زواره از آندره گدار در همین شماره صفحه ۱۴۳ تا ۱۵۱
۱۰) صفحه ۱۴۴ و ۱۴۵ مقاله فوق .

۱۱) رفیعی - پوپ

۱۲) آنچه در این گزارش ارائه خواهد شد شکل نهائی ندارد و صرفا " عرضه نتایج بررسیهای انجام
یافته از سال ۱۳۵۳ تا به امروز است در جریان انجام تعمیرات آن که هر سال بمدت سه الی چهارماه
بعلت محدودیتها با آهنگی کند صورت گرفته است .

۱۳) سرزمینهای خلافت شرقی (۱۹۰۵) تالیف لسترنج (۱۸۵۴-۱۹۴۴) ترجمه محمود عرفان
انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب (۱۳۳۷) صفحه ۲۲۴ .

لسترنج در نقل این قول از اصطخری منبع خود را ذکر نمینماید .

۱۴) آتشکده اردستان صفحه ۱۴ ترجمه و نقل از کتاب احسن التقاسیم (تالیف ۳۷۵)

۱۵) نقل از آتشکده اردستان صفحه ۱۹ و ۳۲

۱۶) " ابودلف که این شهر (کرج) باو نسبت داده نده هم سردار معروف و هم شاعری از ملازمین
دربار هارون الرشید (وفات ۱۹۳ هـ - ق) و پسرش مامون (وفات ۲۱۸ هـ - ق) بوده است .

بودلف و خاندانش در این ولایت و ناحیه اطراف برج که در دوازه فرسخی اصفهان واقع بوده اقامت داشته‌اند و خلیفه آنها را بآنها تیول داده بود بطوریکه مبلغی همه ساله به خلیفه بپردازند و از همه مالیاتهای دیگر معاف باشند . " سرزمینهای خلافت‌های شرقی صفحه ۲۱۴ ، ۲۱۳

(۱۷) این تفاوت مختصر مربوط به اصلاح قبله مسجد اولیه .

(۱۹ و ۱۸) از روی آثار باقیمانده از ساختمان اولیه مسجد میتوان اظهار داشت که پوشش شبستانها که بر روی ستونها استوار بوده است بصورت طاقهای گهواره‌از، عمود بر اضلاع حیاط بوده است .

(۲۰) قطر ستونهای گرد به ۱۲۵ سانتیمتر بالغ میشود در صورتیکه قطر سایر ستونها ۱۱۵ سانتیمتر در سایر شبستانها میباشد .

(۲۱) لازم به یاد آوریست که قطر ستونهای مسجد جامع نائین و اصفهان حدود نود سانتیمتر است .
(۲۲) آجرهای بکار رفته در ساختمان ستونهای شبستان جنوبی آجرهایی با ابعاد $۲۴ \times ۲۴ \times ۴۲$ سانتیمتر میباشد و تنه‌بخشی از مسجد بود که این نوع آجرها در آن بکار برده شده است (البته تا آنجا که بررسیهای ما نشان میدهد)

(۲۳) گچ‌بریهای ستونهای شبستان شمالی که تنها بقایای آن در ارتفاع ۲۵ سانتیمتری قاعده آن باقیمانده با ظرافتی کمتر تداعی کننده گچ‌بریهای مسجد جامع نائین است . و بنظر من قدمتی بیش از آن دارد .

(۲۴) همانگونه که در دیوار غربی مسجد بخاطر محدودیتهای زمین ، کجی‌هایی دیده میشود با احتمال قوی بعلمت همین محدودیتها این اعواج در دیوار شرقی بخصوص در نیمه جنوبی آن وجود داشته . وجود دیوار خشتی در محدوده شرقی و زیر کف سلجوقی در این بخش این احتمال را تقویت مینماید .

(۲۵) پس از احداث گنبد در دوره سلجوقی

(۲۶) با احتمال زیاد در دوره صفویه و همزمان با احداث ایوان میرحمله (شرقی) بوده است .

(۲۷) در نقشه و ترکیب ساختمانی این بنا هیچگونه ارتباطی را نتوانستیم با نقشه مسجد اولیه بیابیم . از اینرو تصور میشود که ساختمانی مجزا بوده است شاید ساختمان مناره در دوره سلجوقی دسترسی باین فضا را از شکل اولیه خارج ساخته باشد .

(۲۸) این کیفیت در مسجد جامع نائین و بالاخص در مسجد جامع اصفهان (دوره عباسی) نیز مشاهده میشود .

۳۰ و ۲۹ صفحه ۱۴۳ تا ۱۵۱ و نیز صفحات ۱۰۳ و ۱۰۴ و ۱۰۷ مقاله مساجد قدیمی ایران از آندره گدار در نشریه آثار ایران از نشریات اداره باستانشناسی جلد اول جزء دوم ۱۳۱۶ چاپخانه مجلس ترجمه محمد تقی مصطفوی

(۳۱) این کتیبه که توسط آندره گدار مورد دقت قرار نگرفته " رجوع شود به صفحه ۱۴۷ مقاله مساجد

قدیچی ایزان ترجمه محمد تقی مصطفوی (و توسط آقای هنرفر ناصحیح خوانده شده (رجوع شود به صفحه ۲۱۹ گنجینه آثار تاریخی اصفهان تالیف دکتر لطف اله هنر فر ۱۳۴۴) براهنمائی آقای حاج سید نصراله هاشمی قرائت گردید .

چنانچه ملاحظه میشود ساعی و بانی ایوان در سال ۹۴۶ علی بن احمد الطباطبائی الزواره‌ای بوده و معمار آن حیدر علی معمار اردستانی است بنام حیدر علی بن ذوالفقار معمار اردستانی در دو اثر دیگر برخورد مینمائیم یکی در ایوان شرقی مسجد جامع گز اصفهان (رجوع شود به صفحه ۱۹۰ / ۲۱۹ کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان تالیف دکتر هنر فر که مربوط میشود بسال ۹۵۲ هجری قمری و دیگری در امامزاده محروق نیشابور (رجوع شود به صفحات ۳۰۱ و ۳۰۳ جلد اول آثار باستانی خراسان تالیف عبدالحمید مولوی)

(۳۲) این سنگ نوشته فعلا " در مسجد جامع اردستان محفوظ است و قرار است در موزه اردستان ویا پس از بررسی در محل خود نصب گردد .

(۳۳) آقای رفیعی در کتاب خود آتشکده اردستان صفحه ۳۲ درباره سلطان بیک چنین گوید :
سلطان بیک از معاریف حکام شاه طهماسب بوده و نامبرده تکیه‌ای در دشت محله را میان ساخته که خود در آنجا مدفون است و بر لوح قبر او نوشته شده :

در دوره ظهور شاه طهماسب ولی شد بانی صفا سلطان بیک

(۳۴) صفحه ۳۱ کتاب آتشکده اردستان

(۳۵) آتشکده اردستان در صفحات ۳۱ و ۳۲ و ۲۴۶ و ۶۲۲ از شخصیت جمله الملک و خانواده او ذکر مینماید و بطور خلاصه میگوید که میر محمد سعید میر جمله و پسرش و میر محمد امین از شخصیت‌های محله محال اردستان در نیمه دوم قرن یازدهم هجری میباشد که در دربار هندوستان مقام و منزلتی یافت و دوره اقتدارش از سال ۱۰۶۰ تا ۱۰۷۲ هجریست و پس از فوت میر جمله در سال ۱۰۷۲ پسرش میر محمد امین بجای او استقرار یافت (صفحه ۲۴۹ همین کتاب) و به تمشیت امور پرداخت و پس از چند سال دشمنانش شبانی که بر بستر خوابیده بود آب به منزلش بستند و در آب خفه شد .

(۱) در کتاب آتشکده اردستان صفحه ۳۲ درباره ساختمان ایوان غربی چنین آمده است : " قسمت غربی مسجد که در این زمان (۱۳۳۶) سقف ایوان آن خراب شده بانی آن معلوم نیست بعضی میگویند امیر محمد مهدی معروف به حکیم الملک اردستانی معاصر اورنگ زیب معاصر پادشاه هندوستان ساخته است . مشارالیه بانی مدرسه کاسه گران یا حکیمیه یا شمسیه اصفهان در سال ۵ - ۱۱۰۳ هجری قمری میباشد و مدرسه نیم آورد (۱۱۱۱ ه . ق) صفحه ۵۹۴ آتشکده اردستان نیز از آثار این مرد خیر است (رجوع شود به کتاب آتشکده اردستان صفحه ۲۲۸ ، ۲۳۰ ، ۵۹۳ تا ۵۹۸)

(۲) دوران شکوت و مکت حکیم الملک اردستانی :

Islamic Architecture C. First period Eric Shroeder

شرودر میگوید بدون شک جزایوان جنوبی سایر ایوانهای مسجد جامع اردستان دارای سقفهای صغویست یا لااقل در اوائل دوره صفویه تعمیر گردیده است .

۳۹) سقوط سلجوقیان عراق ۵۹۰ هجری قمری اصفهان در سال ۵۹۲ هجری بتصرف تکش بن ایل ارسلان خوارزمشاه درآمد و در سال ۶۱۴ تمام بلادری و اصفهان (جبال) در اختیار خوارزمشاهیان بود . تصرف اصفهان توسط طغرل سلجوقی در محرم سال ۴۴۳ هجری بود .

۱) چنانکه خواهیم دید در ساختمان سردر جنوب غربی بنویه خود تغییراتی در دوره‌های بعد حاصل شده که آنرا از هیات اصلی خارج ساخته است . با دقت بر روی ساختمان سردر ساختمان مشاهده میشود که طاق سردریازسازی شده و دو جرز طاق نما دار طرفین سردر ارتفاع نهائی خود را ندارد و میزانی از آن خراب شده است .

۴۱) همانگونه که قبلا " نیز اشاره شد اصولا " ستونهای شبستان جنوبی قطورتر از ستون های دیگر در سایر شبستانهای مسجد است و این تنومندتر بودن ستونهای شبستان جانب قبله موضوعی است که در مسجد تاریخانه و فهرج نیز دیده میشود .

۴۲) پوشش دالان در جریان تعمیرات نیم قرن اخیر با الحاق لنگه طاقهای بزرگ لنگه طاقهای اصلی و پوشاندن جرزها (برای تقویت کلی بنا) تا حدی از نظر پنهان شده است . بررسیها نشان میدهد که این الحاقات بعلت آنکه کمک موثری به حفظ اصل بنا نمینماید قابل حذف است و باز گرداندن ساختمان بشکل اصلی از طریق برداشتن الحاقات مشکلی بوجود نمی‌آورد .

۴۳) در مسجد جامع فهرج ، نائین و تاریخانه دهانه میانی نمای شمالی بی تغییر مانده و ریتم دهانه‌های دیگر را تکرار میکنند . از این نظر مسجد جامع اردستان با مسجد جامع اصفهان شباهت پیدا میکند . مسجد جامع اولیه اردستان در طرح خود مانند سایر مساجد اولیه که از آن ذکر شد فاقد دهانه گشادتر میانی در جبهه های شرقی و غربی است .

۴۴) این بدان مفهوم است که محور قبلی مقصوره مسجد اولیه با محور قبلی گنبد قرن ششم هجری تا میزان زیادی تطبیق میکند و تغییر عمده‌ای بآن داده نشده است .

۴۵) مشابه آنچه که در مسجد جامع نائین دیده میشود .

۴۶ و ۴۷) این مستطیل حدودا " ابعادی برابر $3/15 \times 3/70$ متر داشته است .

۴۸) جز دو ستون D6 ، D7

۴۹) H12 ، B11 ، E11

۵۰) تا محاذات بدنه شرقی ایوان شرقی

۵۱) کفبستار ارتفاع گنبد را با ارتفاع روی مقصوره و ارتفاع ایوان را با ارتفاع شبستان در دهانه مرکزی مقایسه کنید. گرچه ایجاد ایوان و یا ایوانهای عظیم برای صحن به گستردگی صحن مسجد جامع اصفهان متناسب مینماید ولی برای صحن مسجد جامع اردستان ایوان جنوبی باید گفت که خارج از مقیاس صحن بوده است. گرچه ممکن است امروزه این وضع عادی بنظر آید.

۵۲) ساختمان مناره را شاید بتوان مربوط به مرحله و یا دوره بعدی (سوم) دانست گرچه شرودر با مطالعه روی مصالح داخلی مناره معتقد است که احتمالاً " مناره جزئی از ساختمان مسجد اولیه میباشد (مراجعه شود به صفحه ۹۵۲ مقاله شرودر پاروقی صفحه ۲۱۵ همین گزارش) شواهد زنده‌ای از نقطه ساختمانی وجود دارد که نظریه شرودر رد مینماید که در جای خود بطور جداگانه مطرح خواهد شد .

۵۳) همین اقدام را میتوان در مسجد جامع نائین مشاهده کرد و مشابه آن نیز در بعضی قسمتهای مسجد جامع اصفهان نیز دیده میشود .

۵۴) یک‌رشته از قنات ارونه از زیر ایوان شرقی عبور مینماید و پله‌ای از صحن بلافاصله پس از ایوان شرقی بآن هدایت میشود . لازم بیاد آوربست عبور رشته قنات از مساجد جامع سابقه دارد و این پدیده را در مسجد جامع نائین و مسجد جامع نطنز مشاهده میشود . وضع قرارگرفتن پله راه قنات در مسجد جامع و اینکه با معماری ساختمان بنحو ناهماهنگی قرار گرفته این فکر را بوجود می‌آورد که احتمالاً " پله مقدم بر تاریخ مسجد باشد . پله با احتمال زیاد تا زمانیکه دایر بوده است و آب داشته مورد استفاده بوده است .

۵۵) باقیاساز روی آنچه که از مسجد اولیه با برجا مانده است میتوان این اظهار را کرد که ساختمان اولیه مسجد با استفاده از بهترین مصالح زمان ساخته شده و در استقرار پایه‌ها بر روی زمین خوب و مطمئن نهایت دقت شده است . ستونهای باقیمانده از مسجد اولیه دچار هیچگونه عدم تعادل نشده است و در پی گردی سایر ستونهای محو شده مشاهده گردید . که محل استقرار ستون و شالوده آن در نهایت اطمینان است ولی آنچه قابل ملاحظه است این است که عمق ستونهای بر حیاط در شبستان غربی بخصوص بر خلاف شبستانهای شمالی و جنوبی دارای آن ابعاد لازم برای مقابله در برابر نیروهای افقی نبوده است و احتمالاً "به همین دلیل این بخش از مسجد زودتر از سایر قسمتها دچار عدم تعادل شده است. یادآور میگردد وجود پشت بندها در ستونهای بر حیاط در مسجد جامع نائین بدلیل کافی نبودن ابعاد ستونها در مقابله با نیروی افقی است .

۵۶) با مطالعه روی سبک ساختمانی نیم طبقه‌ها در سراسر مسجد این احتمال تنویت میشود. اصلاً " احداث نیم طبقه را در مسجد جامع اردستان و موارد مشابه میتوان بدلائل زیر دانست :

- رشد جمعیت و مسلمانان شهرها و نیاز به فضاهای سرپوشیده بیشتر برای اجرای مراسم مذهبی .
- استقبال زنان به شرکت در مراسم مذهبی و در نتیجه مطرح شده فضای بیشتر در مراکز عمومی و

مذهبی شهرها .

- تفکیک فضاهای اجرای مراسم مذهبی زنان و مردان از یکدیگر و اختصاص طبقه دوم به زنان .

- احتمال دیگر این است که رواج مذهب تشیع دلیلی برای این پدیده بشمار آید .

(۵۷) بر روی جرزهای طرفین هردو ایوان ترکهای در میان آن بطور عمودی مشاهده میشود که میزان

افزوده شده به عرض جرز ایوانها را بخوبی میتوان در آن دید .

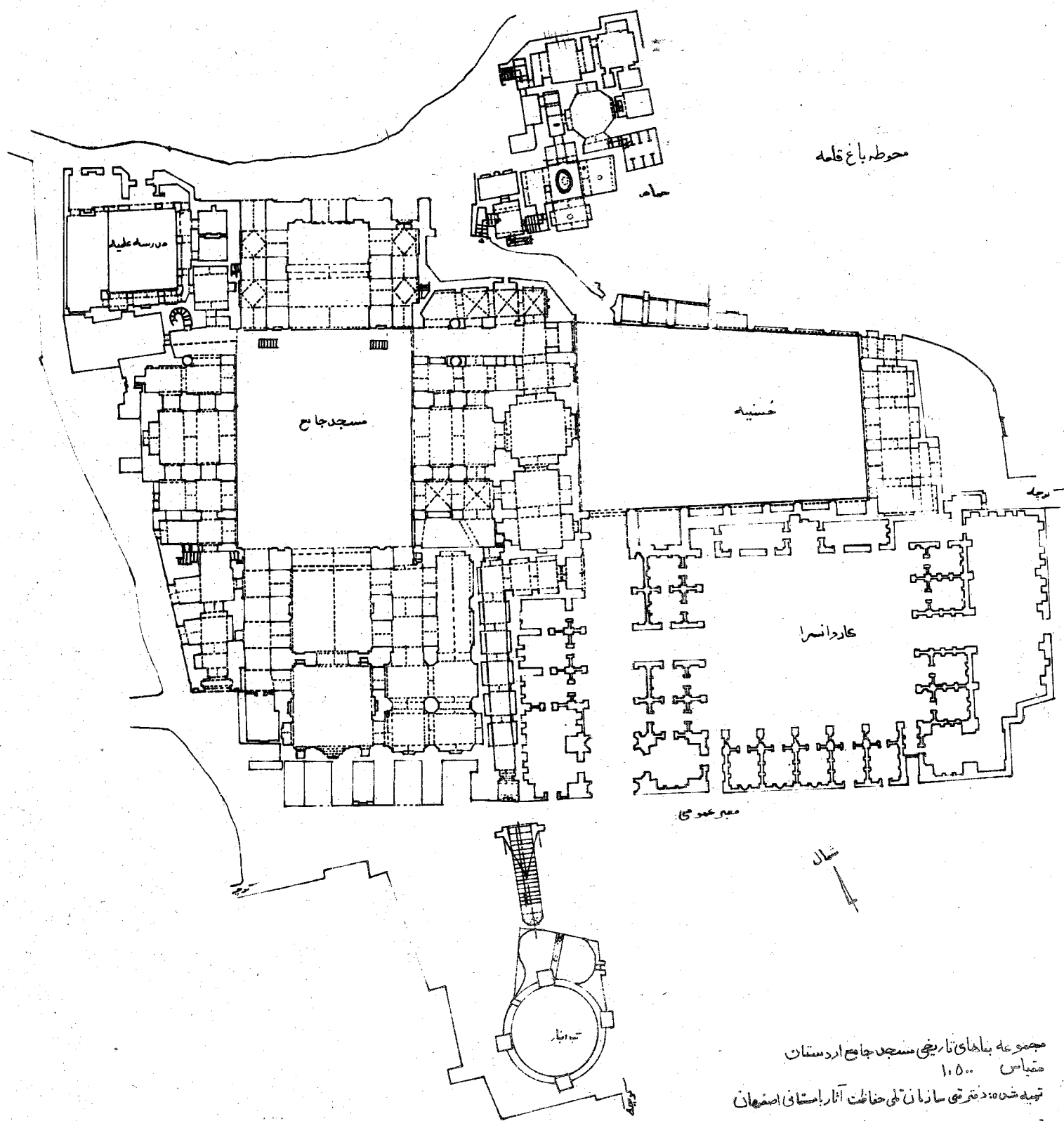
(۵۸) صفحه ۳۵ آتشکده اردستان درباره مدرسه مذکور که معروف به مدرسه حاج حسین نورالدین است

بیانی بشرح زیر دارد :

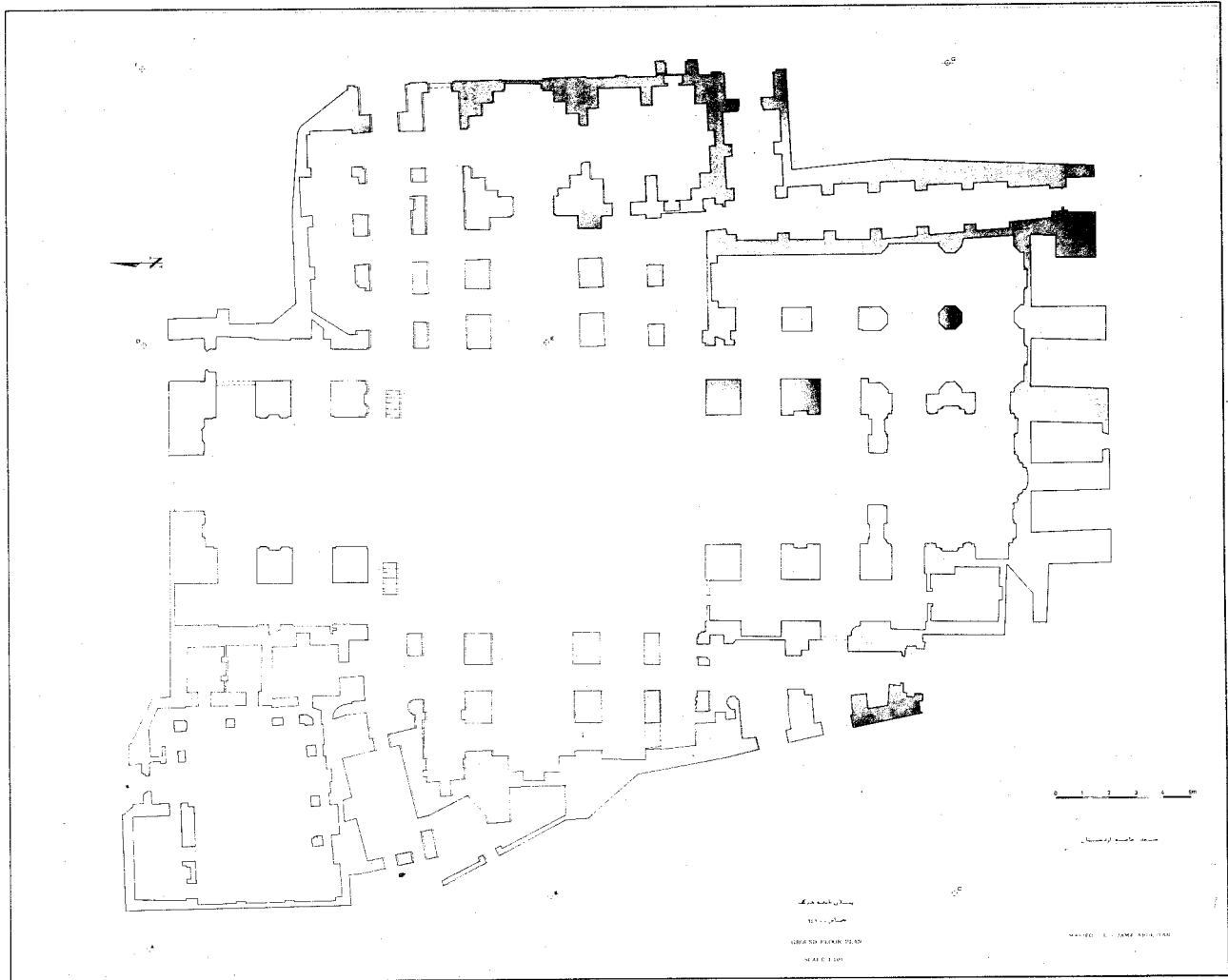
" واقف مدرسه مزبور حاج حسین نورالدین اردستانی است که از مردان خیر و نیکوکار و معاصر

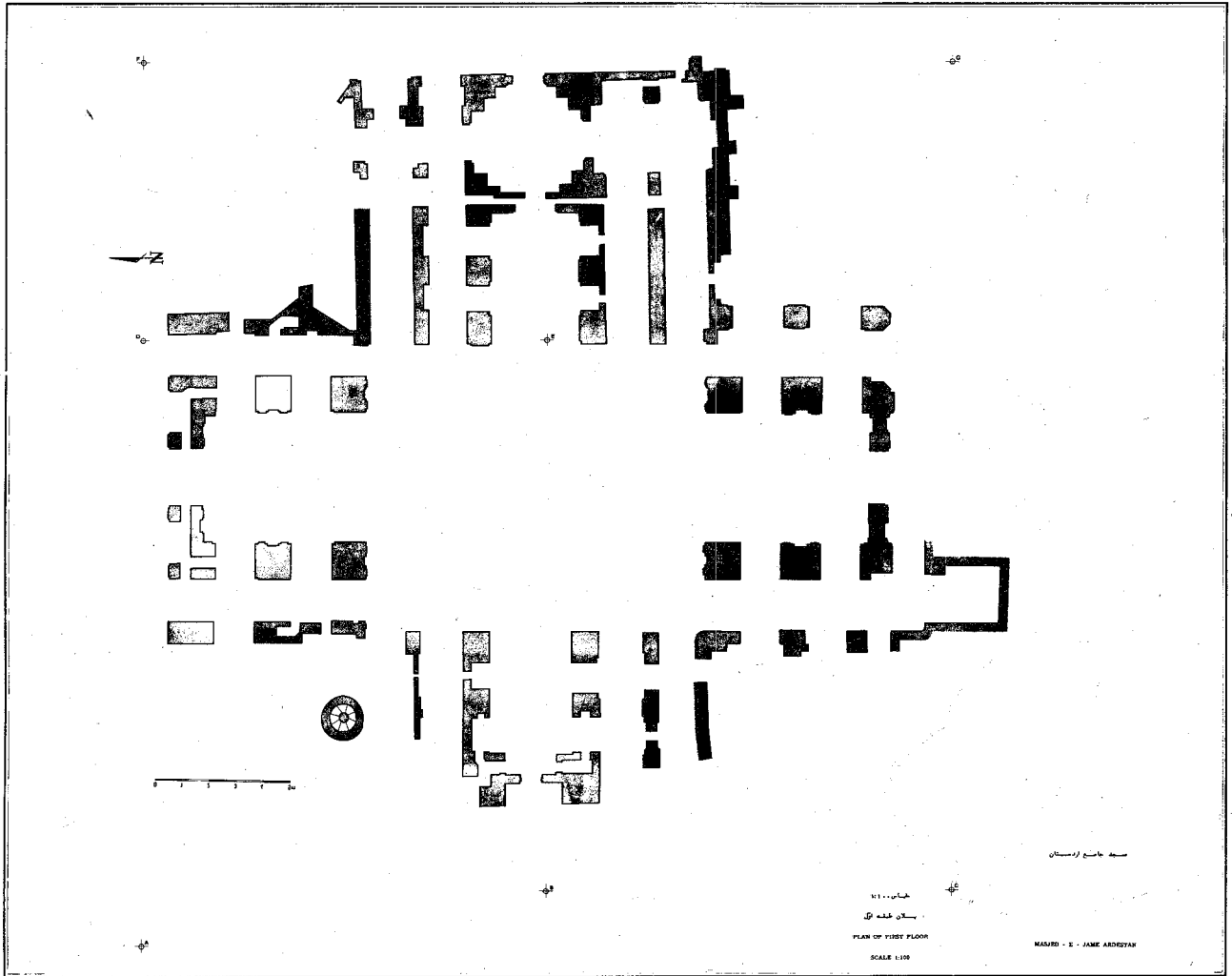
امیرجمله الملک اردستانی است بطوریکه وقفنامه حاکی است عمل وقف و حاتم بنا در تاریخ دهم یکهزار و

شصت و نه قمری هجری انجام شده است . "



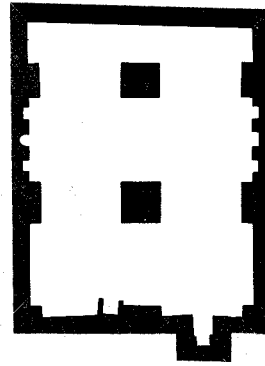
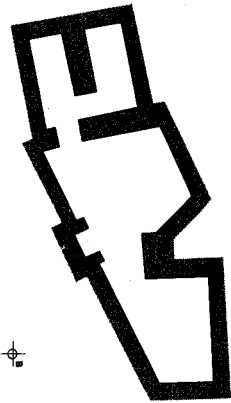
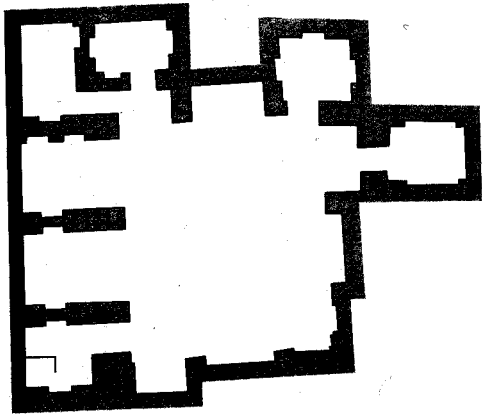
مجموعه بناهای تاریخی مسجد جامع اردستان
 مقیاس ۱:۵۰۰
 تهیه شده در دفتر ماسازمان ملی حفاظت آثار باستانی اصفهان
 تهیه کننده: اصغر رضوی زاده





مسجد جامع اردستان

MASJED - E - JAME ARDESTAN



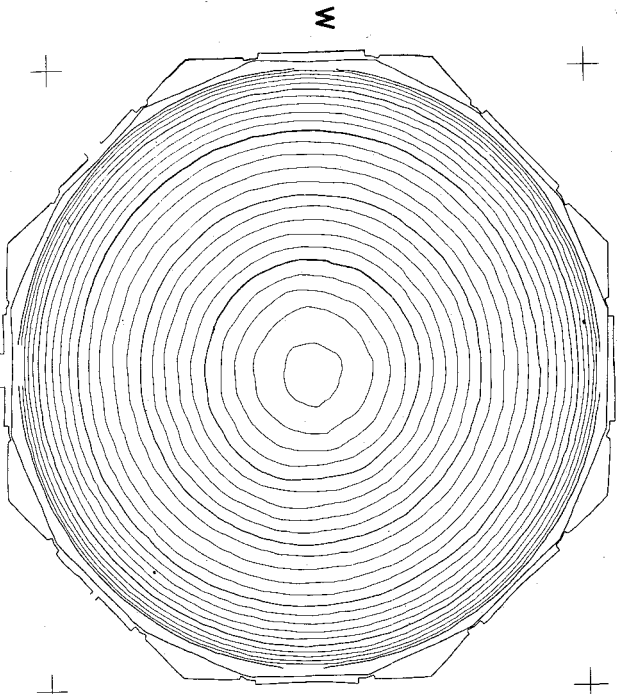
مقیاس ۱:۱۰۰

طرحه زمین

BASEMENT PLAN

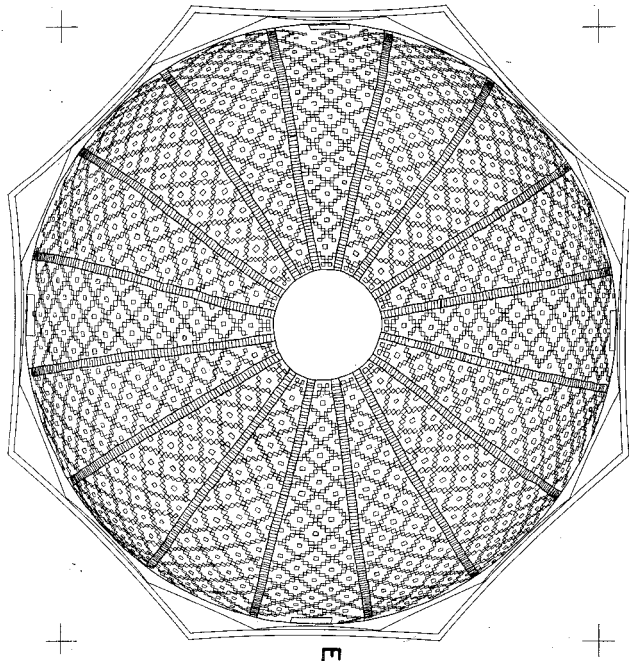
SCALE 1:100

نقشه منگورگی
در سید ابن ابراهیم
مقیاس ۱:۵۰۰



CUPOLA VIEW
LOOKING UPWARDS
SCALE 1:50

مسجد جامع اردستان

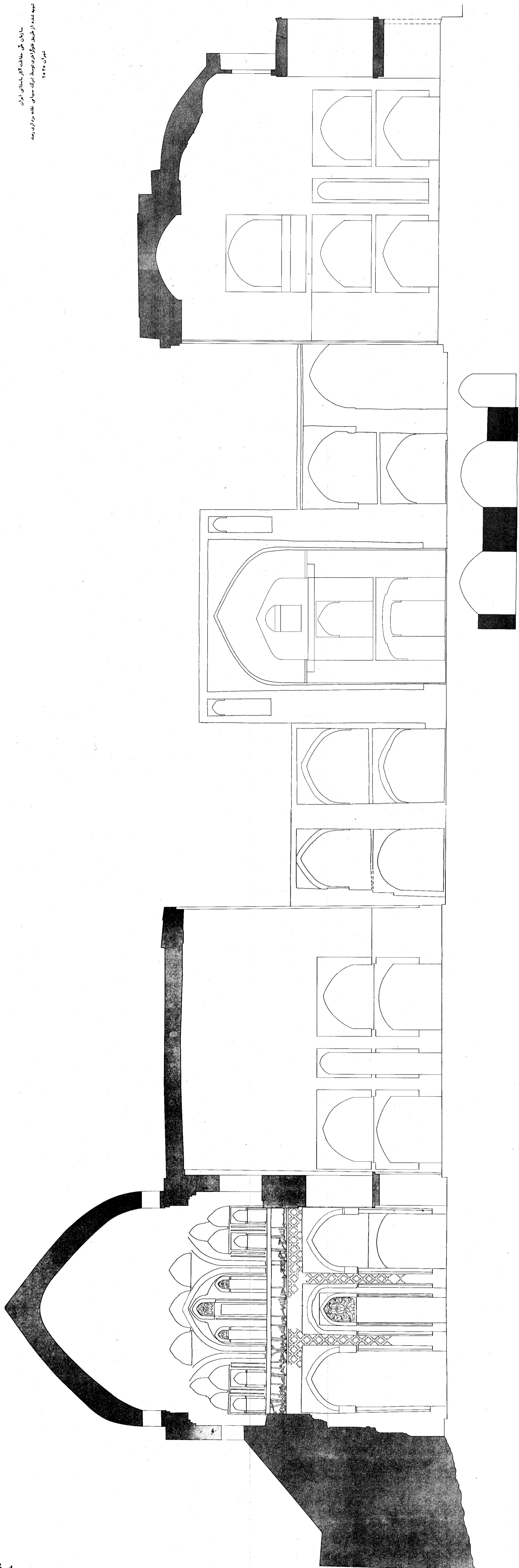


MASJED - E - JAME ARDESTAN

محل نماز - جنس
رید بطریق
مطابق ۱۲۰۰

مسجد جامع اردستان

سازمان مصلحت آثار باستانی ایران
نقشه عدد ۱ از طرف فخرآفرین توسط شرکت سهامی نقشه برداری رید
تهران ۱۳۳۵



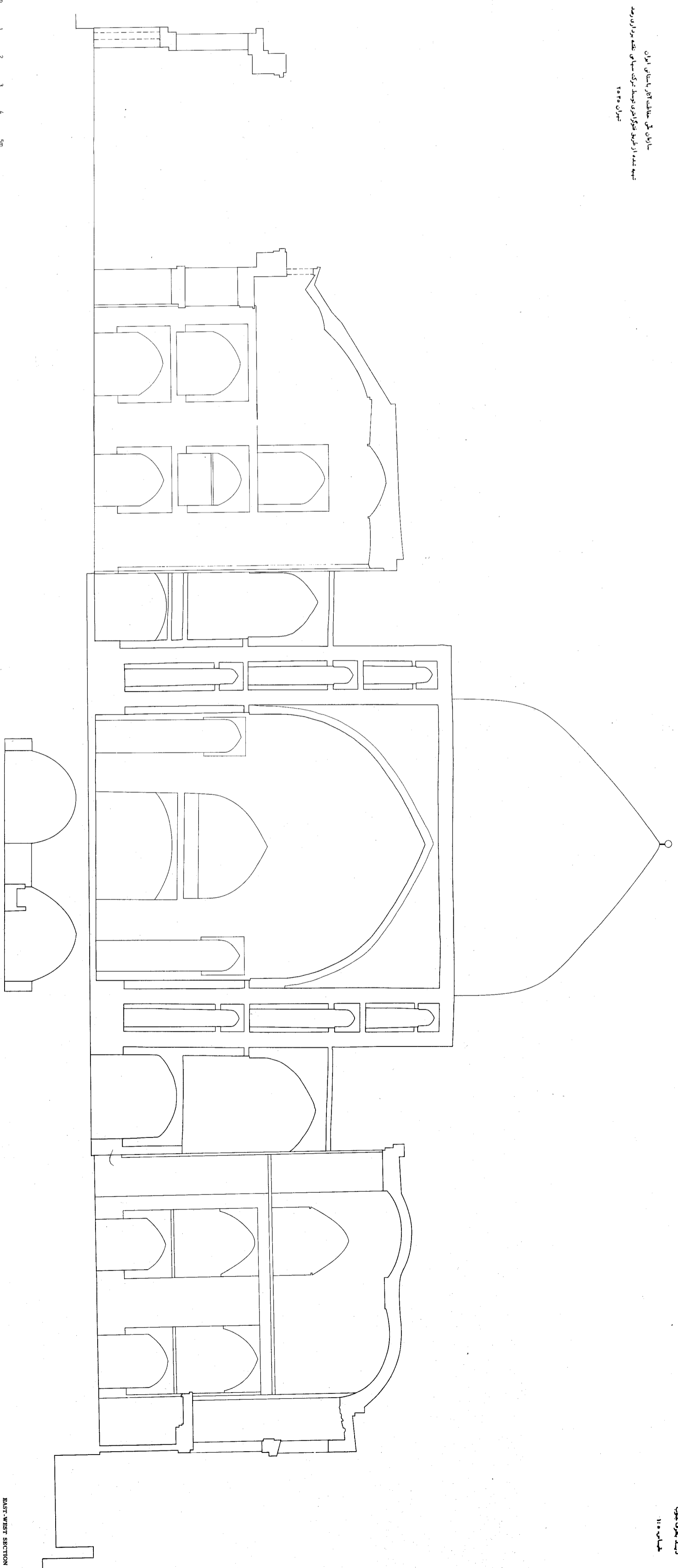
NORTH-SOUTH SECTION
LOOKING WEST
SCALE 1/50

0 1 2 3 4 5m

MASJED - E - JAME ARDESTAN

مسجد جامع اربستان

سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران
تیمه نامه و نظریه تخریب توسط شرکت سهامی نقشه برداری روم
تهران ۱۳۳۵



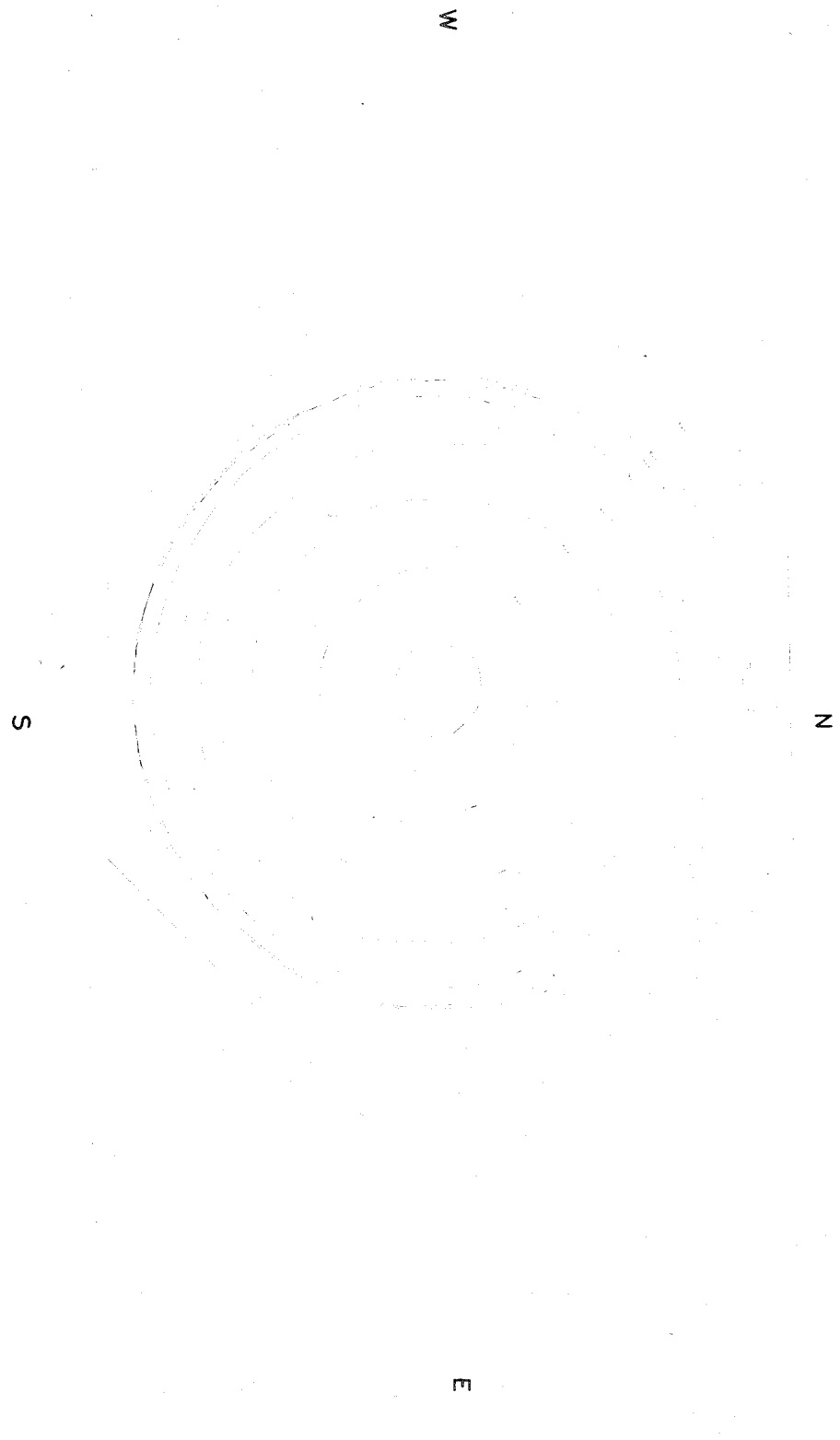
0 1 2 3 4 5m
MASJID - E - JAMEH ARDESTAN

طراحی: سید علی
رسم: سید علی
طاس: ۱۳۳۵

EAST - WEST SECTION
LOOKING SOUTH
SCALE 1:50

1:50000
Scale

1:50000
Scale



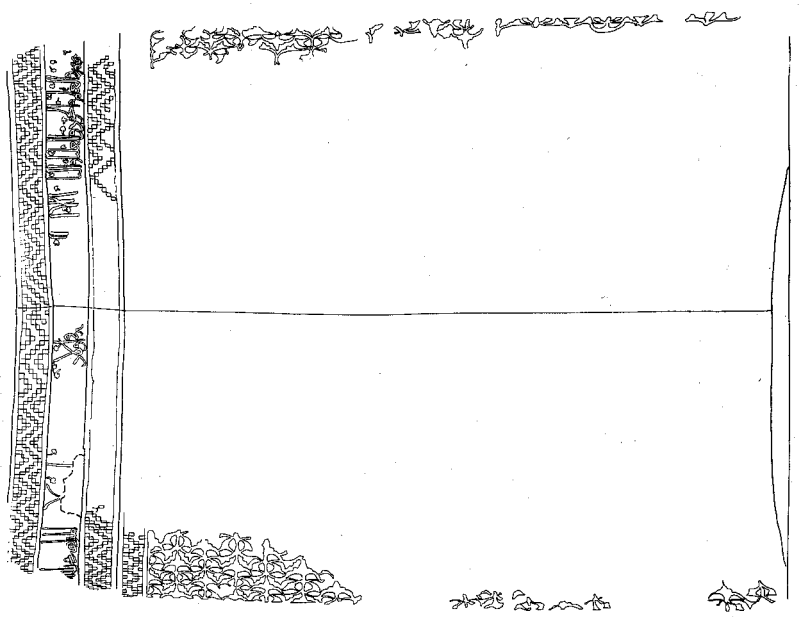
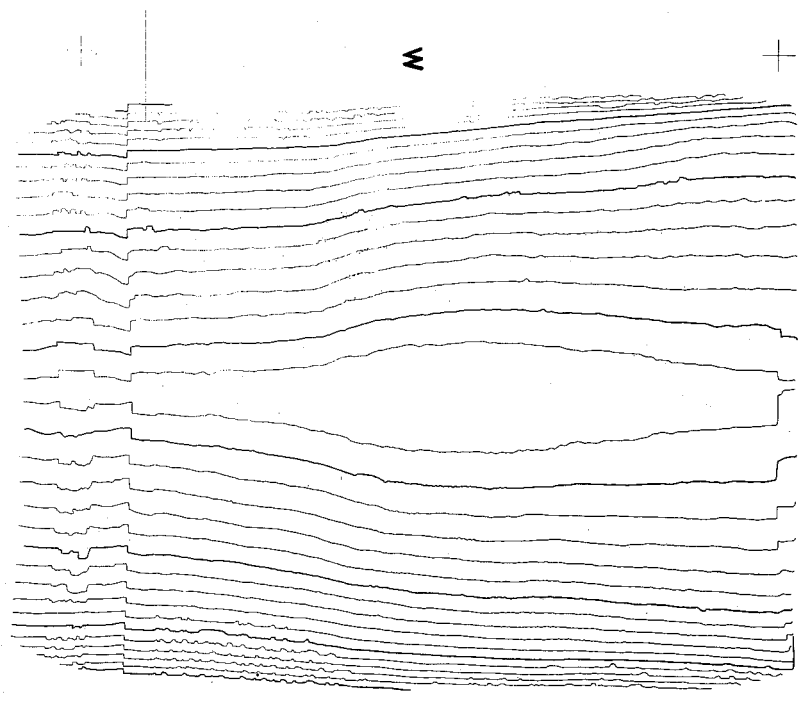
DATE: 1981
SCALE: 1:500

DATE: 1981
SCALE: 1:500



نقشه سقف صحنه ایوان جنوبی
مقیاس ۱:۵۰

مسجد جامع اردستان



W

S

N

E

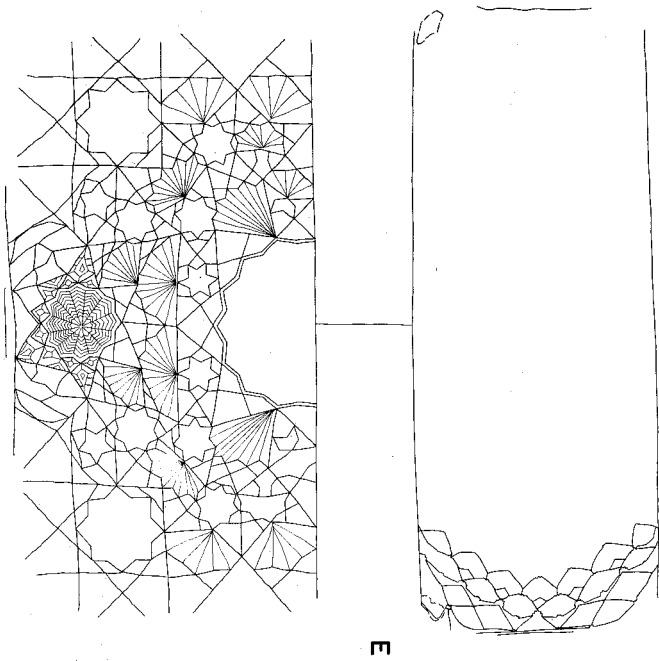
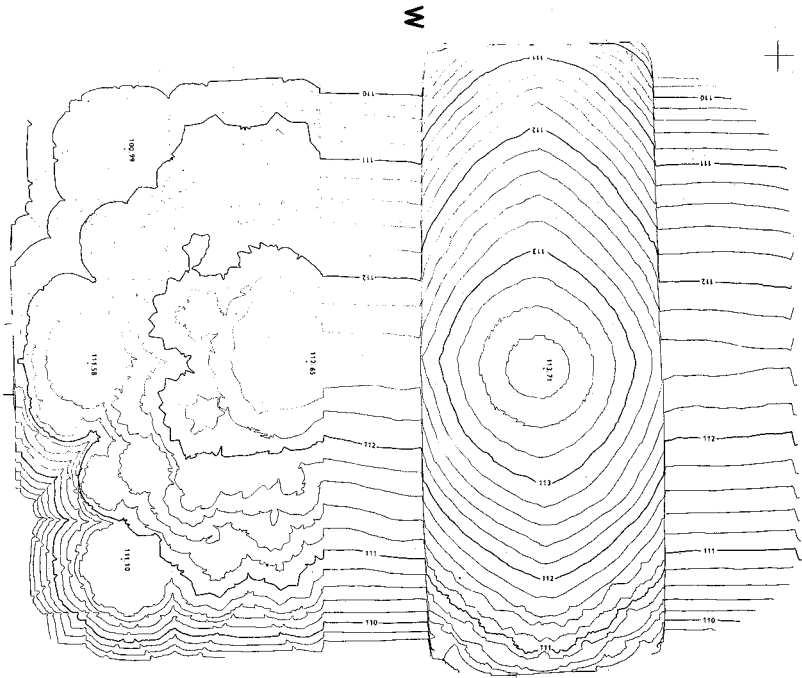
SOUTH EVYAN CEILING VIEW
SCALE 1/50

MASJED - E - JAME ARDESTAN



نقشه سقف ایوان شمالی
مقیاس ۱:۵۰

مسجد جامع اردستان

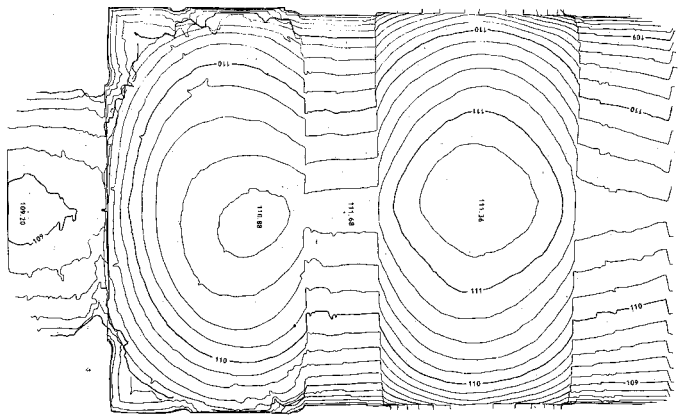


NORTH EIVAN CEILING VIEW
SCALE 1/50

MASJED - E - JAME ARDESTAN



WEST EYVAN CEILING VIEW
SCALE 1/50

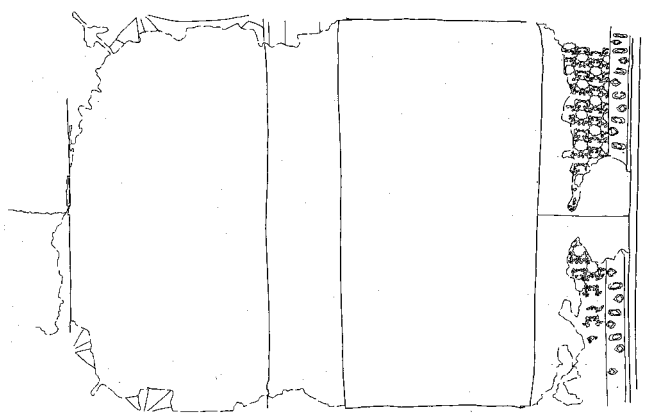


نقشه سقف ایوان غرب
مقیاس ۱:۵۰

MASJED - E - JAME ARDESTAN



E

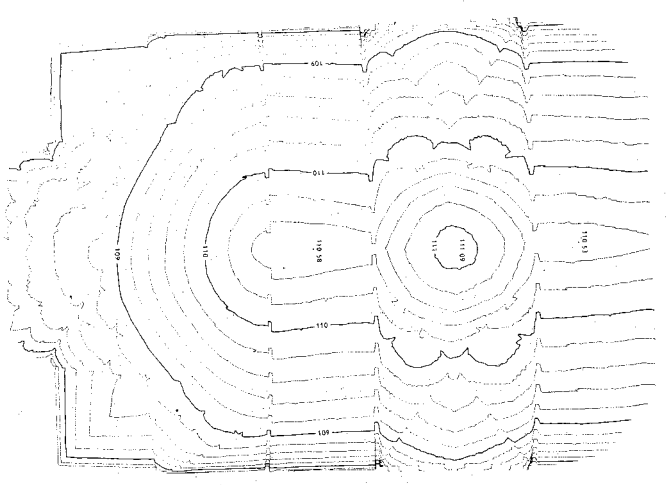


سقف ایوان شرق

N

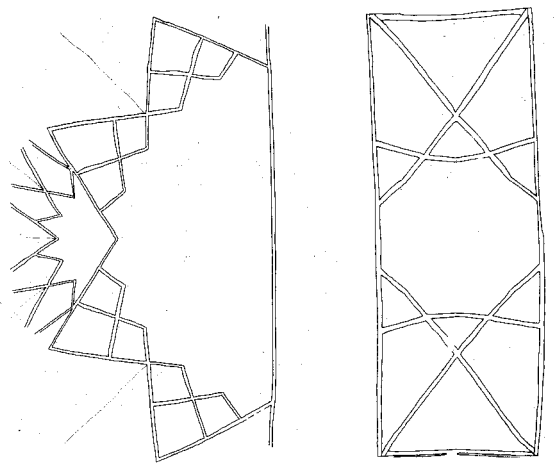
نقطه مشخص سقف ایوان شرقی
مقیاس 1:0

سقف جامع اردستان



E

W

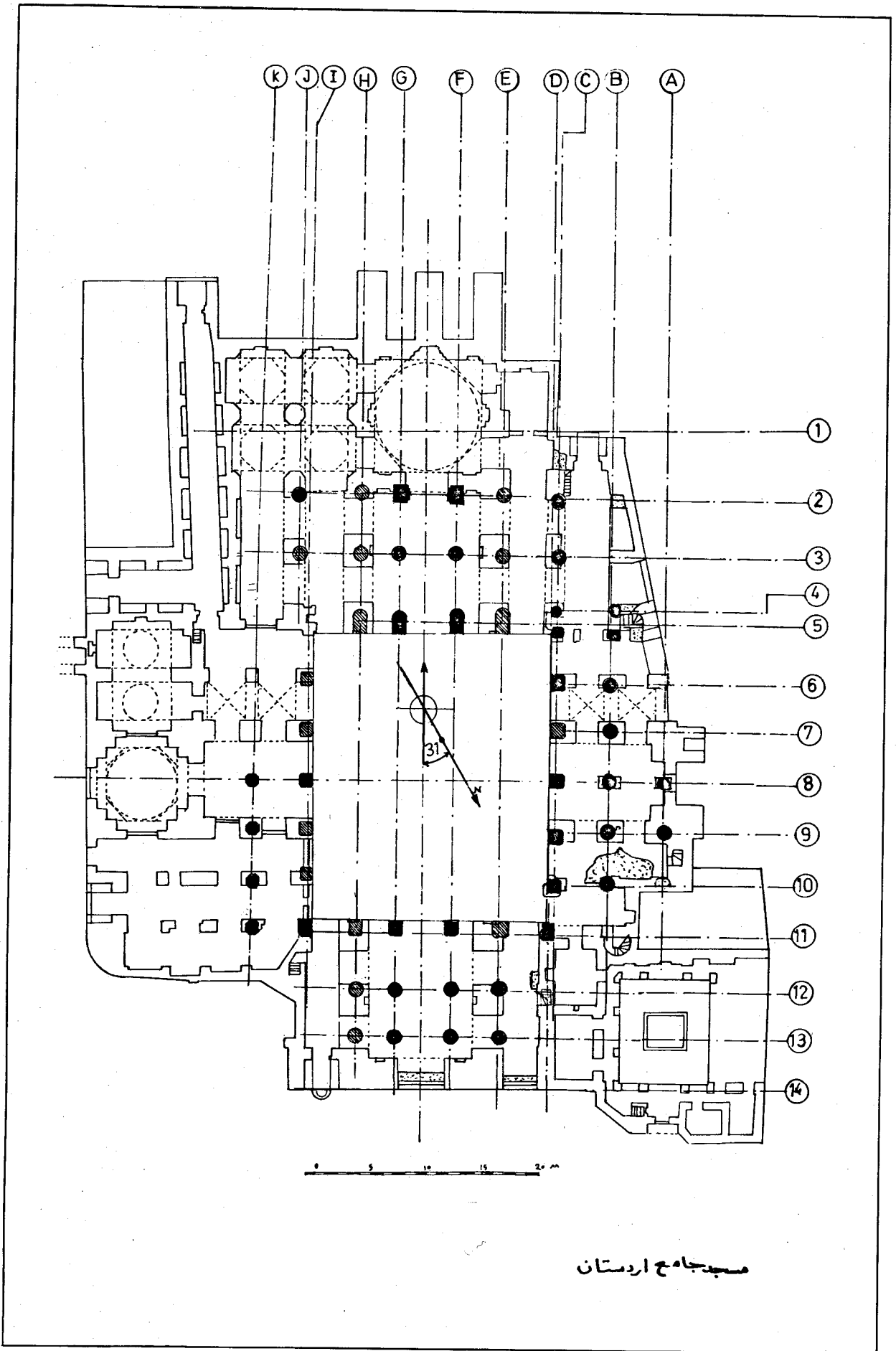


S

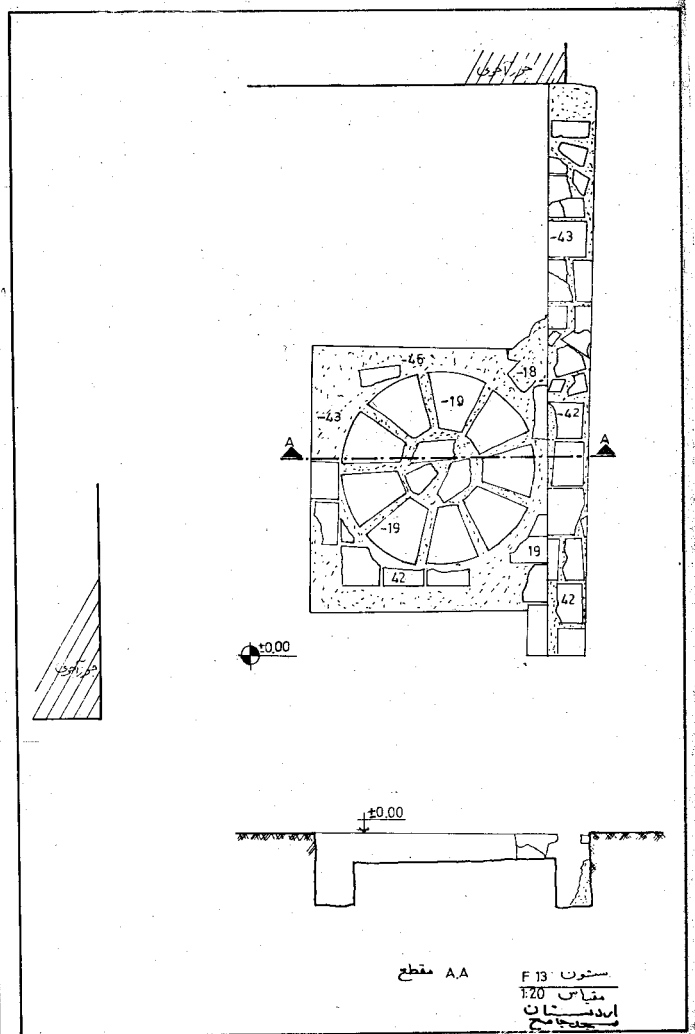
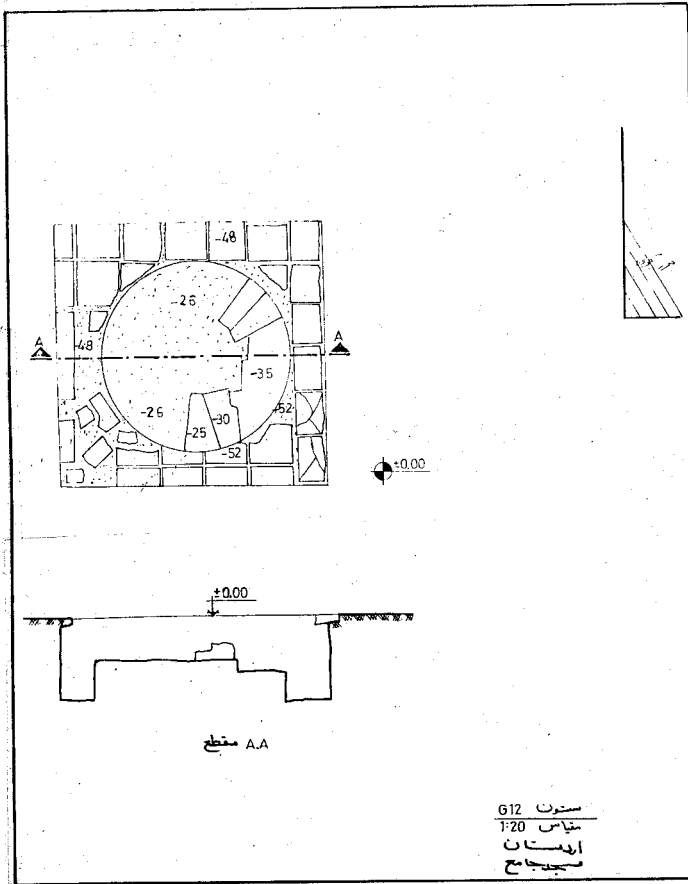
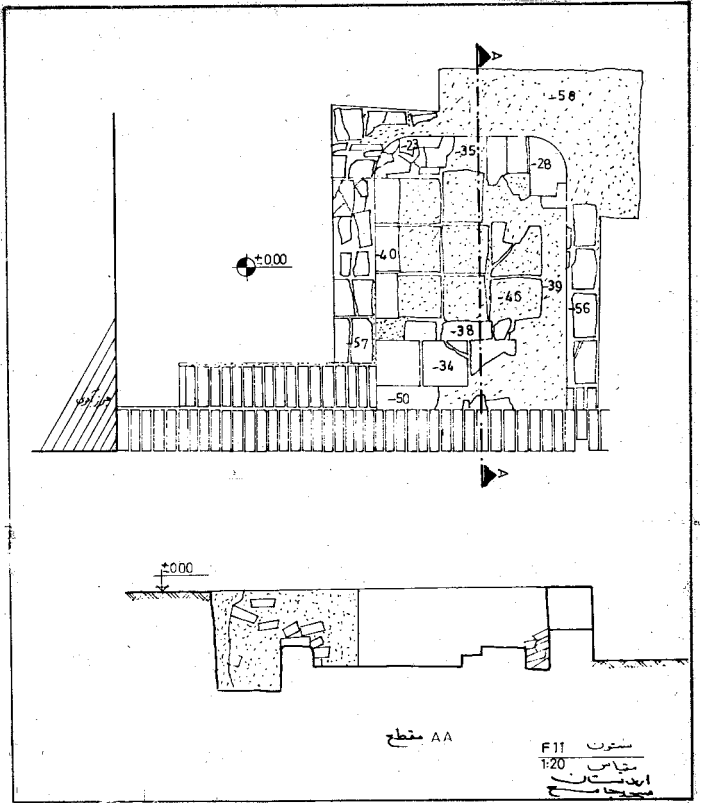
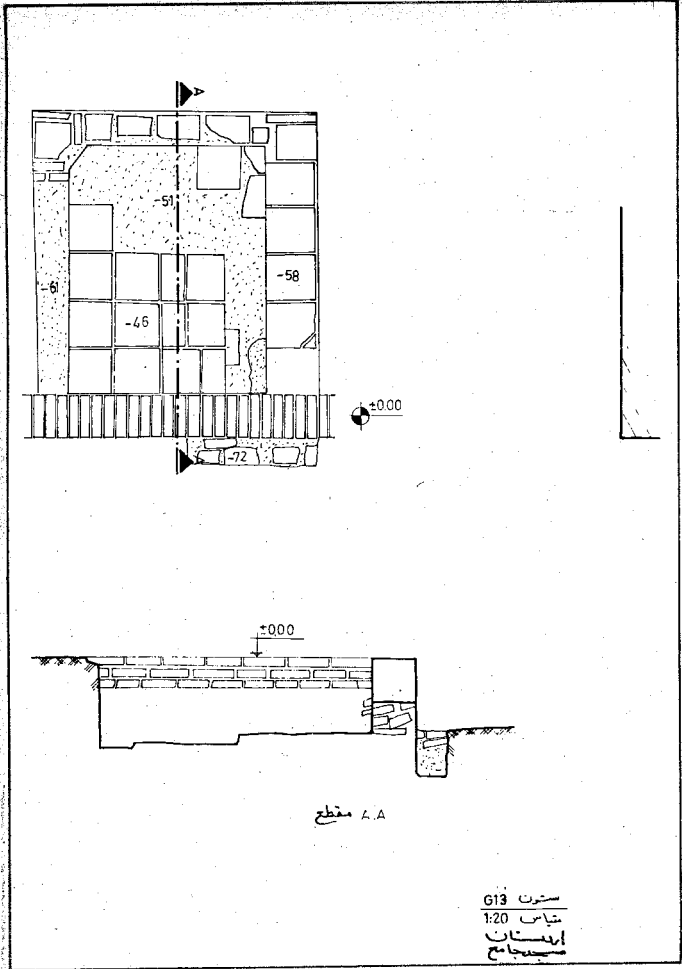
EAST EIVAN CEILING VIEW
SCALE 1/50

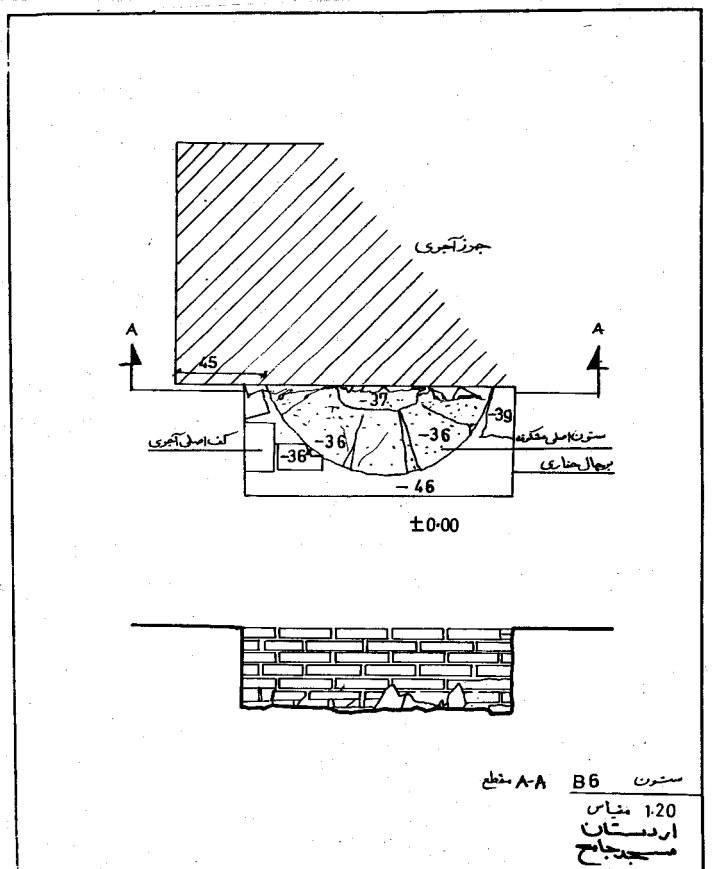
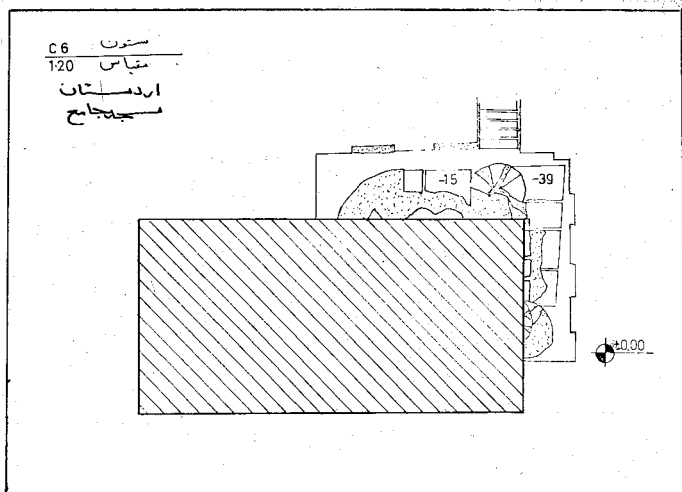
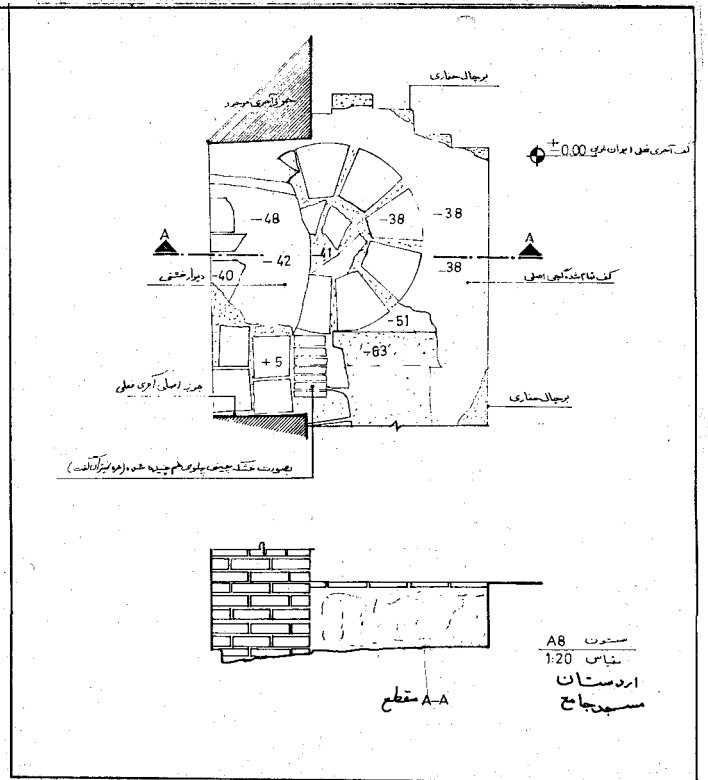
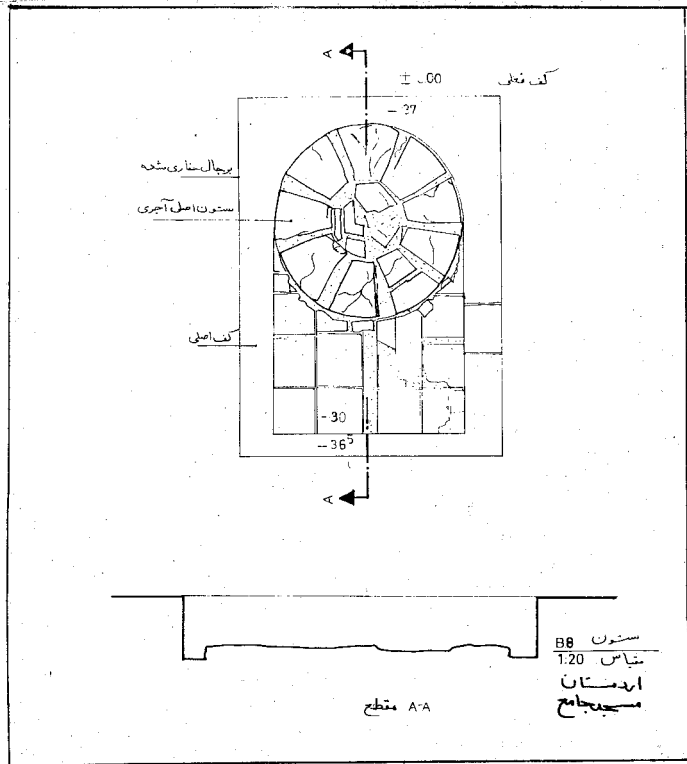
MASJED - E - JAME ARDESTAN

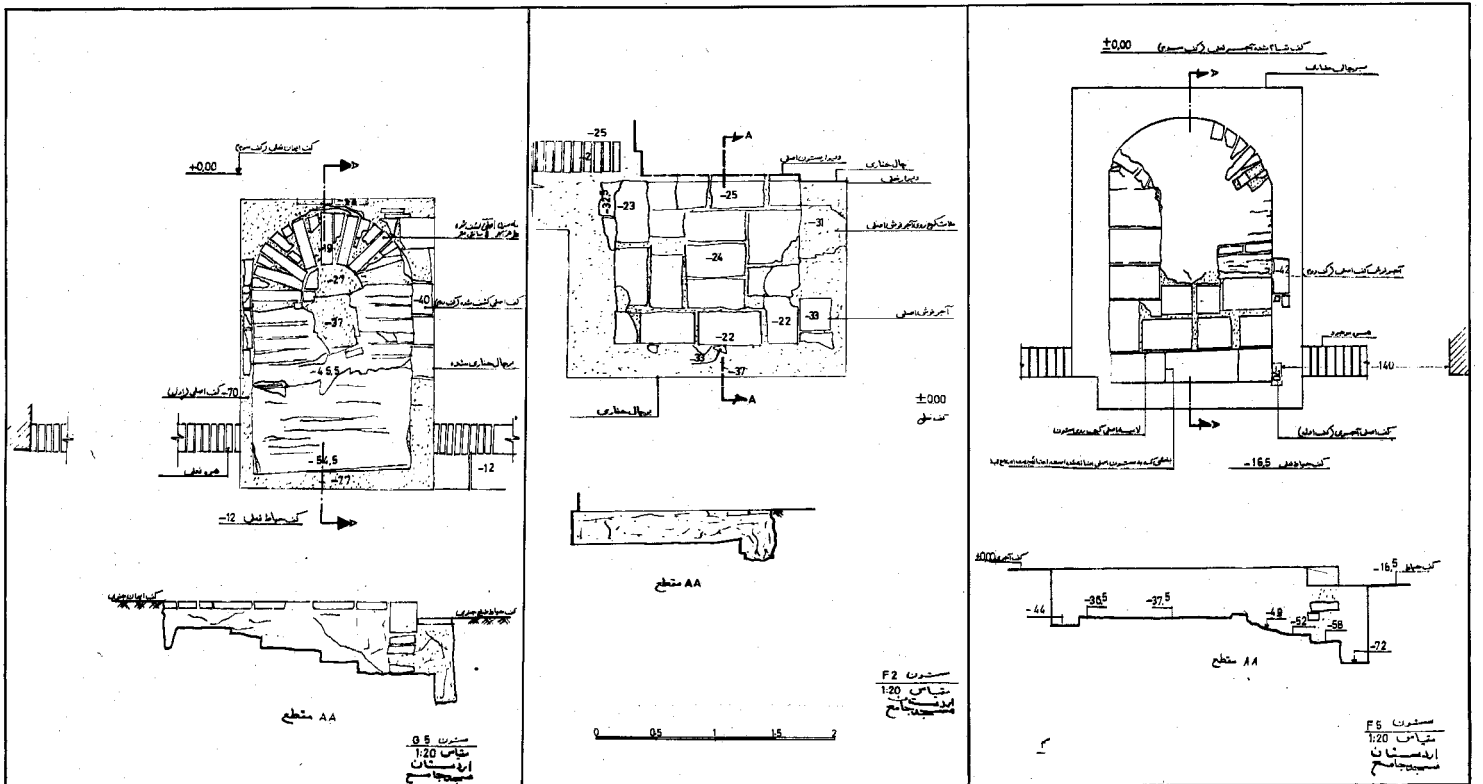
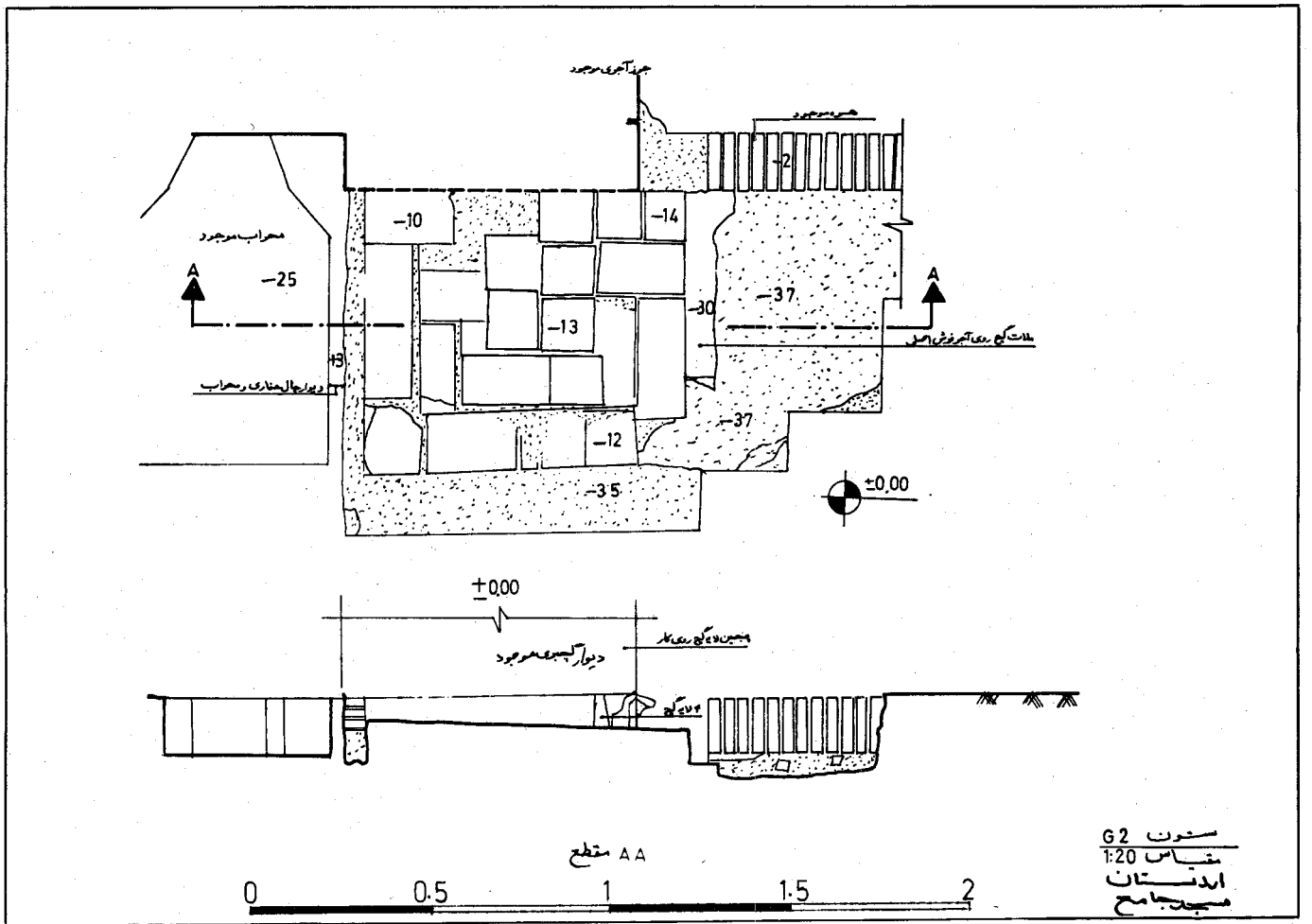


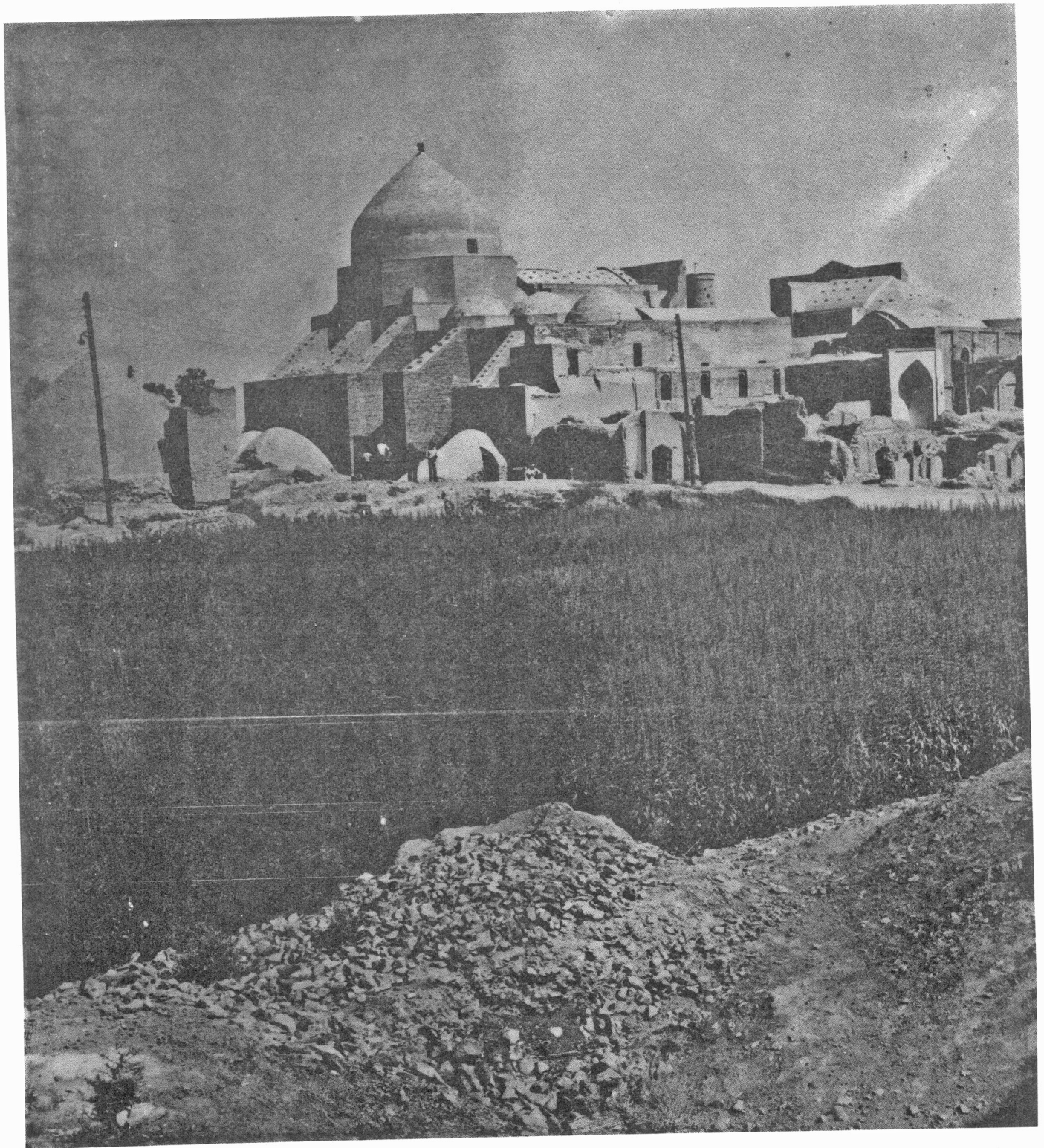


مسجد جامع اردستان



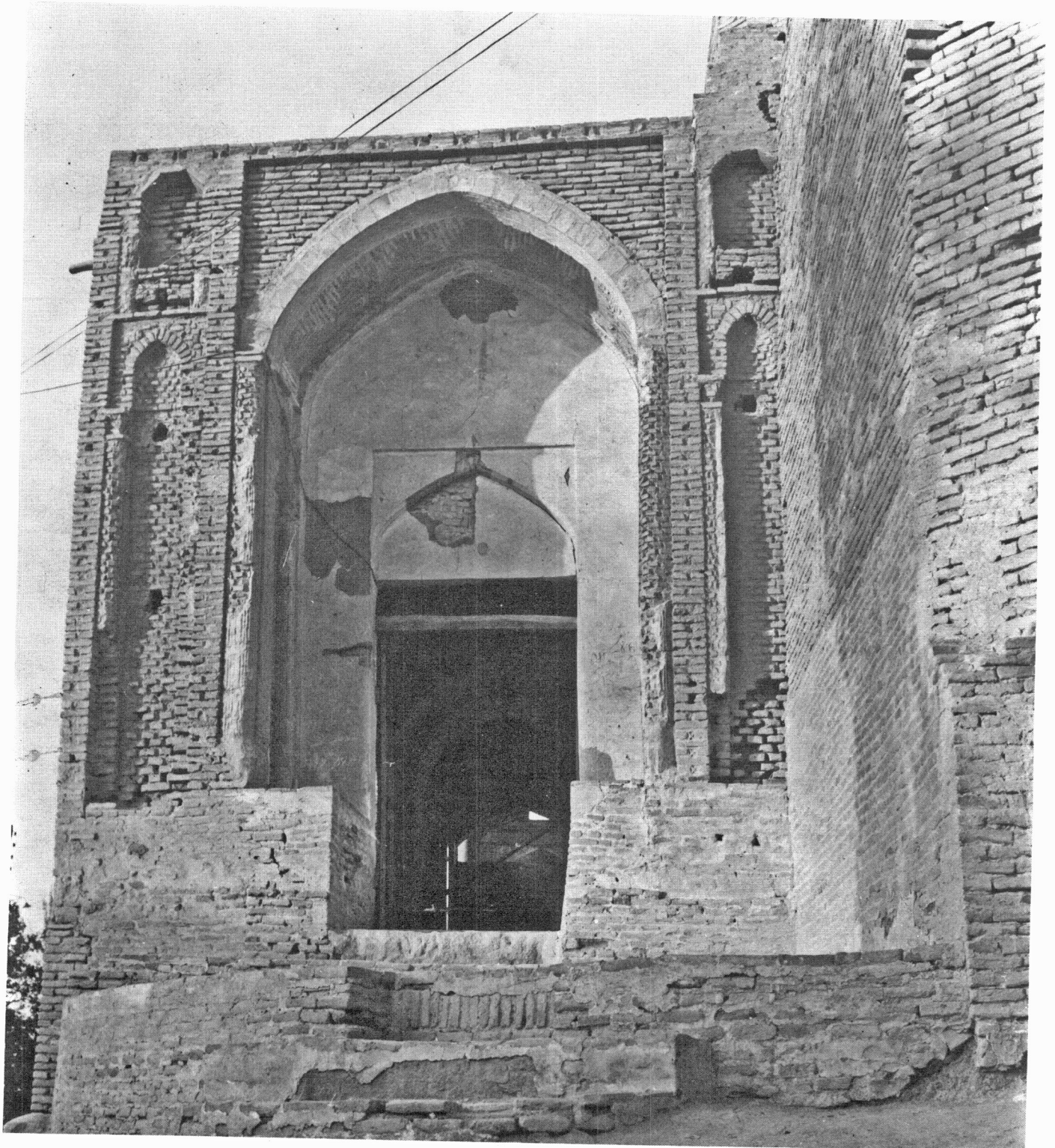




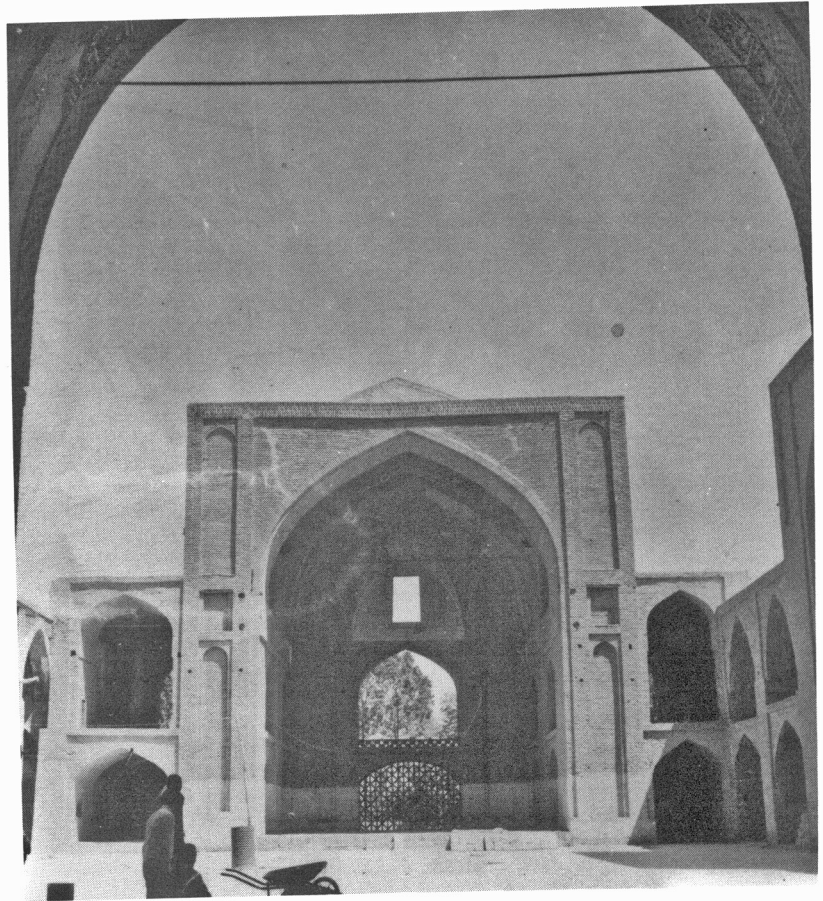


مجموعه مرکز محله محال اردستان

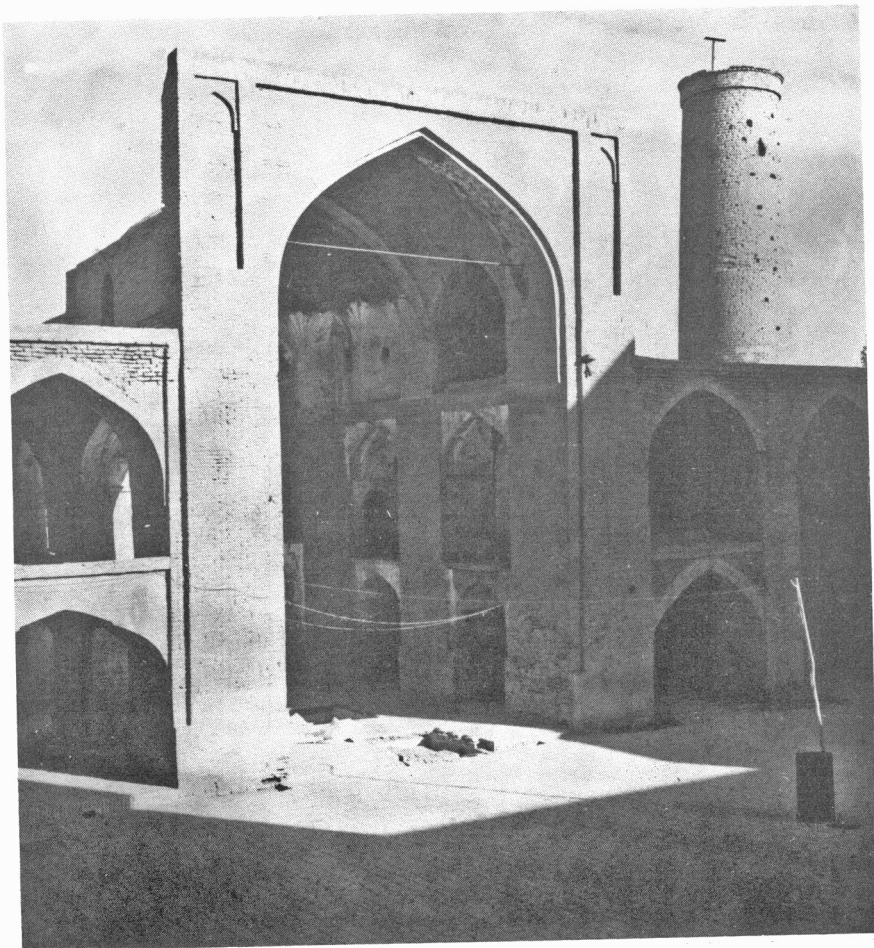
در این مجموعه مسجد جامع عنصر برجسته اصلی آن را تشکیل میدهد



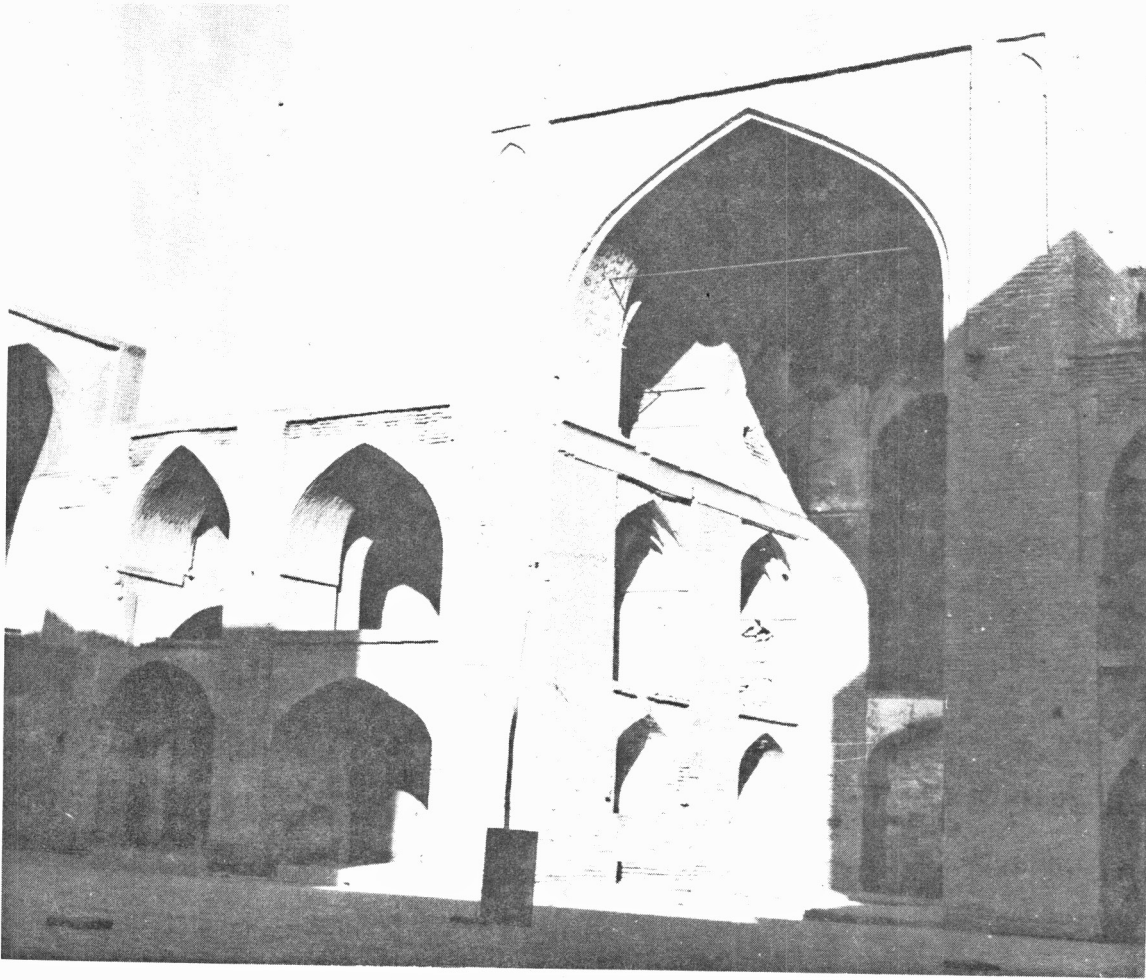
۲- ورودی اصلی مسجد جامع اردستان از جبهه جنوبی (قبلی) . تنها بخش کوچکی از تزئینات گچبری شده که نمای سردر را می پوشانده باقی مانده است . و نمونه ایست از آثار تزئینی مسجد اولیه .
چنانچه ملاحظه میشود قسمت فوقانی سردر کاملاً بازسازی شده است . در این بازسازی یا تعمیر مناسبات اصلی رعایت نشده . و در ارتفاع کوتاهتری ساخته شده است . بهر صورت بخش تعمیر شده کاملاً مشخص و متفاوت با سبک اصلی است .



۳- ایوان شمالی (صفا) و صحن مسجد جامع اردستان دیده شده از ایوان جنوبی (قبلی) . ایوان شمالی که چهار قرن پس از ایوان جنوبی احداث شده از نقطه نظر حجم و ابعاد و نیز نمای سوی صحن بمیزان زیادی منعکس کننده ایوان جنوبی است .



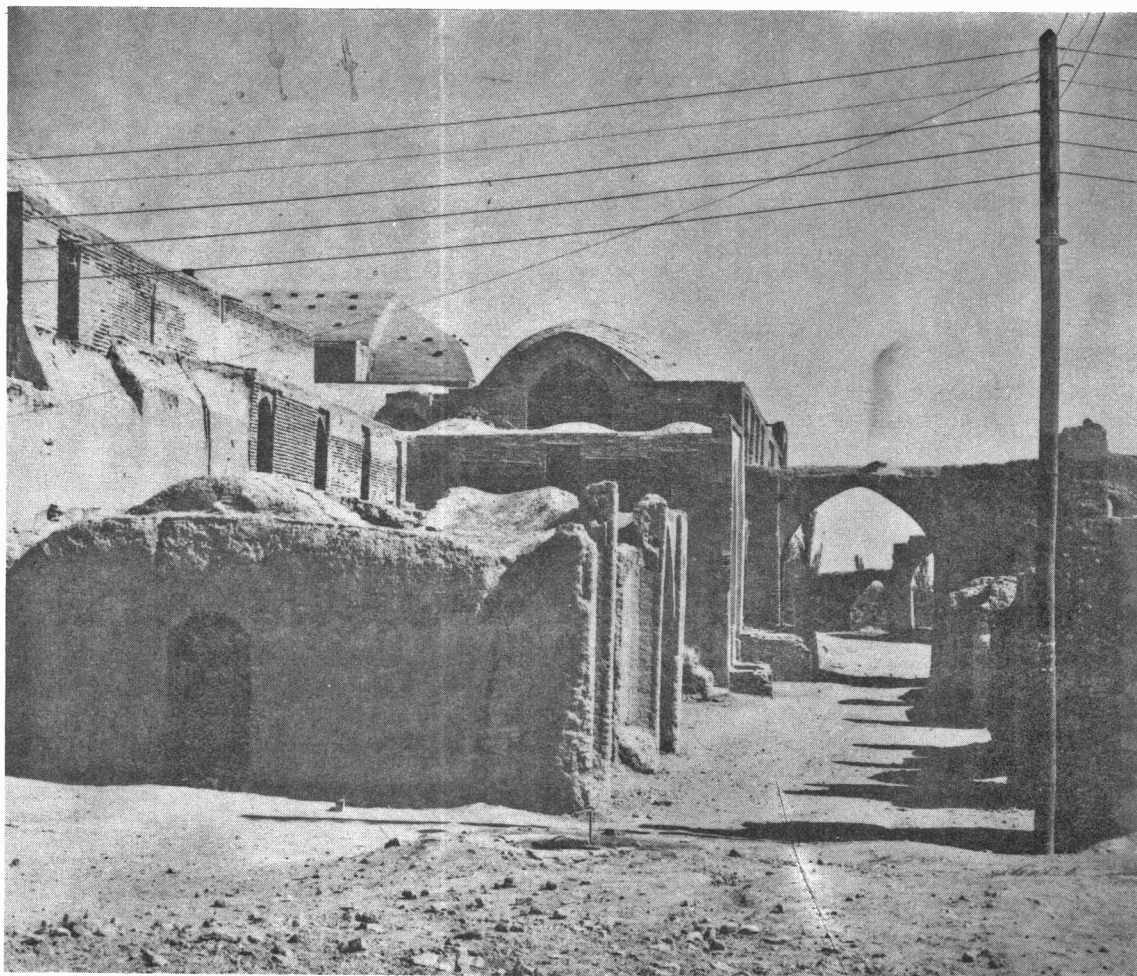
۴- ایوان غربی مناره مسجد جامع اردستان ایوان غربی که مانند ایوان شرقی دهانمای برابر دو چشمه از شبستان مسجد اولیه است با این تفاوت که جرزهای طرفین ایوان برای تحمل بارهای وارده قطورتر شده است . میزان افزایش این قطر نسبت به جرزهای مسجد اولیه (که در دوره سلجوقی بازسازی شده) از طریق درز عمودی که بر روی نمای جرز شمالی دیده میشود قابل اندازه گیری میباشد .



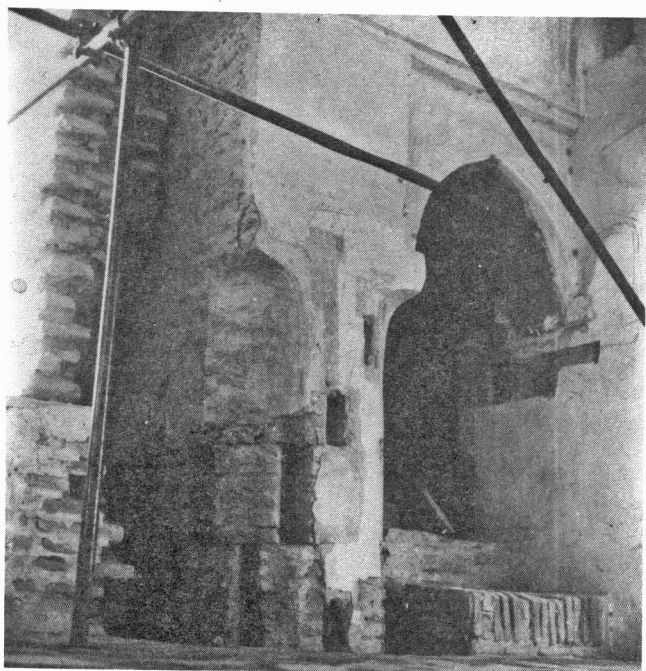
۵- ایوان غربی و گوشه جنوب غربی صحن مسجد جامع اردستان



۶- گنبد مسجد جامع اردستان دیده شده از گذر جنوبی مسجد پشت بند گنبد از الحاقات نیم قرن اخیر است.



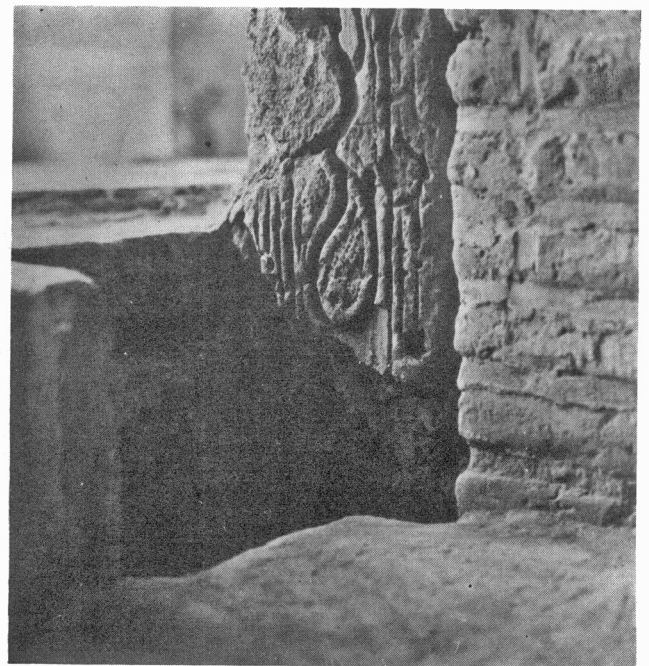
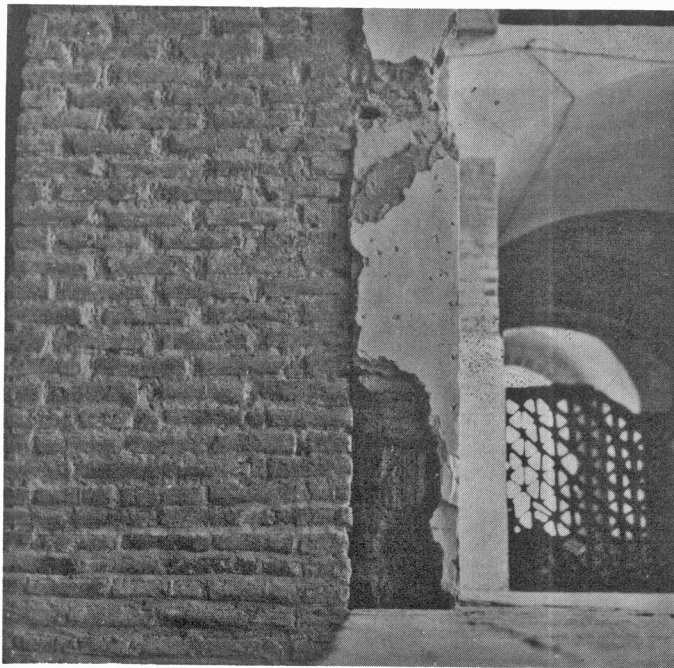
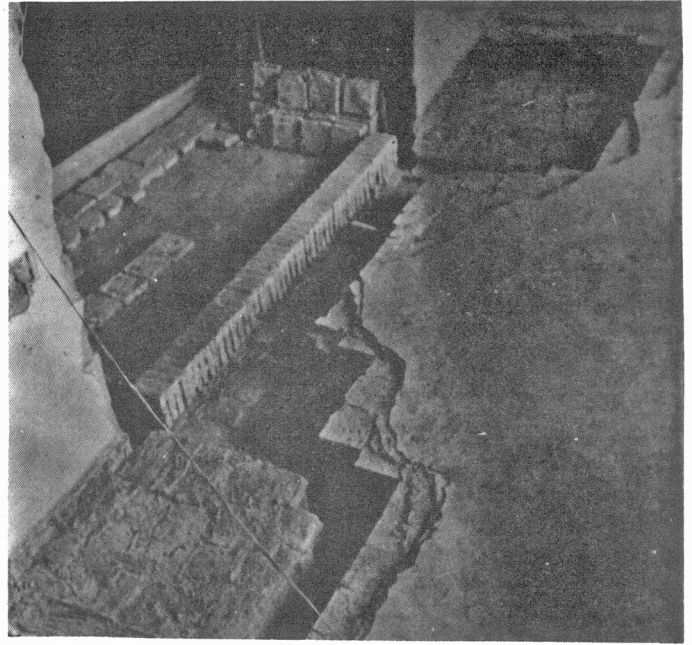
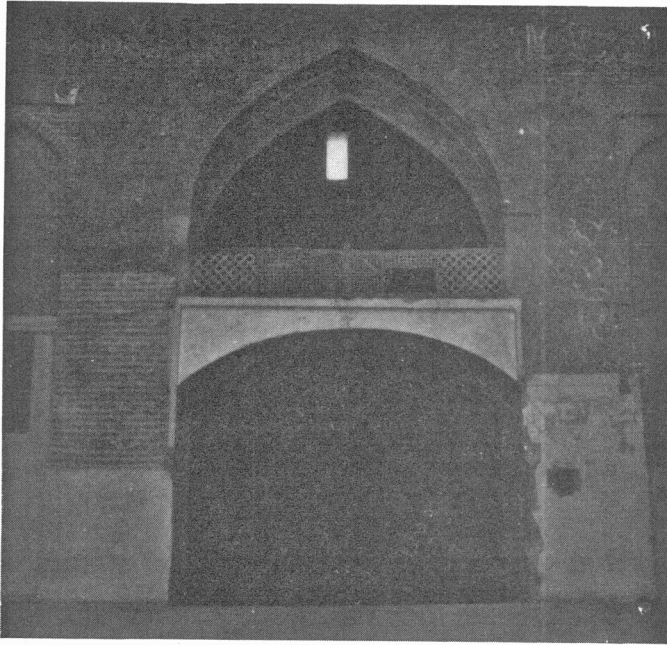
۷- بازارچه مجموعه محله محال که به حسینیه مجموعه منتهی میگردد بازارچه و کاروانسرای واقع در شرق آن از ساخته‌های اوخردوره قاجاریه است .



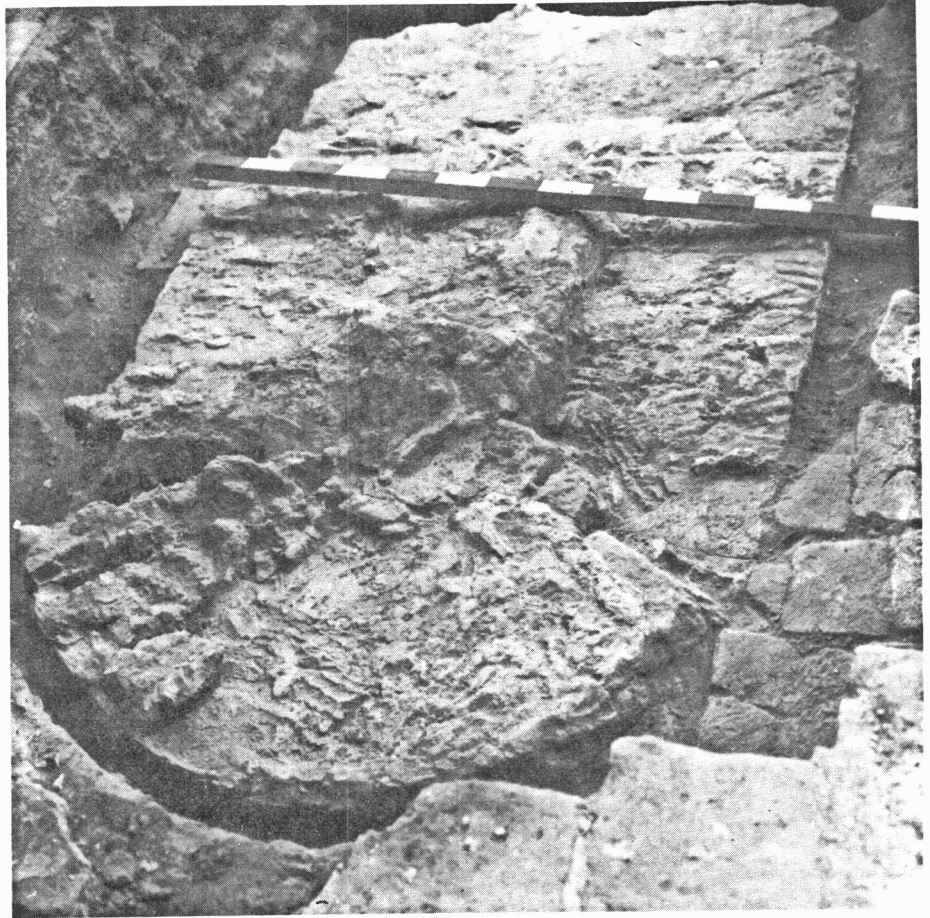
۸- ستون B-4 واقع در گوشه شمال غربی دالان غربی مسجد جامع که از بقایای مسجد اولیه است . ترکیب خاصی که این ستون دارد و آثار دوره سغ در حفره های تعبیه شده در آن دیده میشود احتمال داده میشود که از آن بصورت چراغ دان یا شمع دان استفاده میشده است .
در طرفین انتهای شمالی دالان غربی دوجفت ستون دو قلعه وجود دارد که این ستون یکی از دو ستون دو قلوی سمت غربی آنرا تشکیل میدهد .



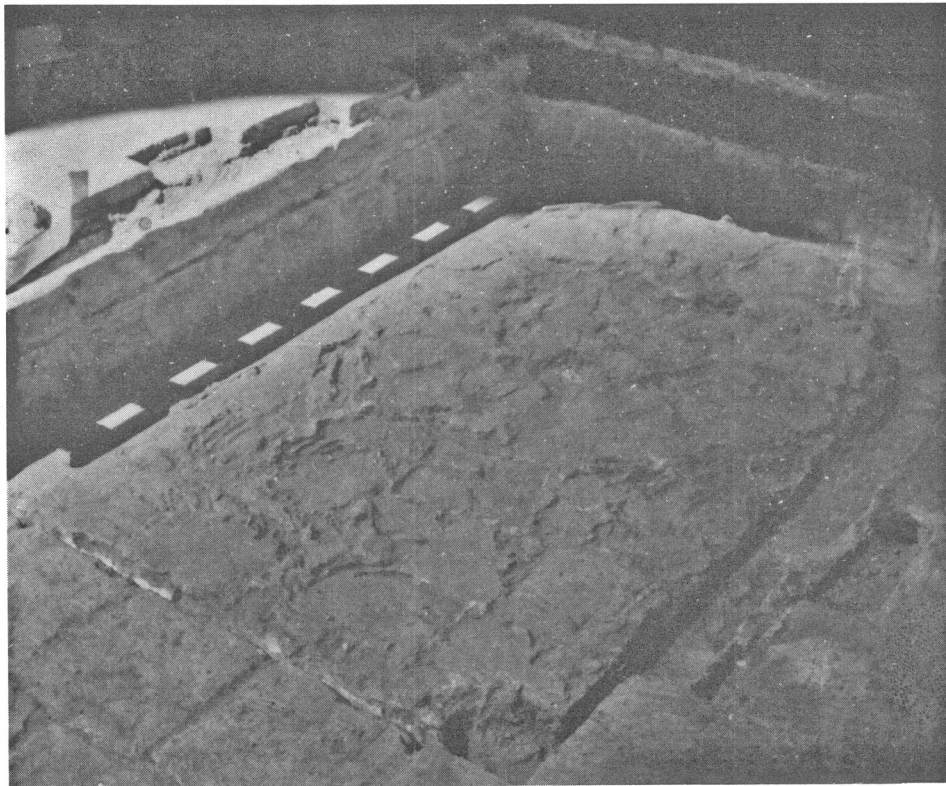
۹- بقایای مختصر ستونهای F-3 , G-3 ردیف
میانه شبستان جنوبی مسجد اولیه که شکلی استوانه‌ای
داشته است . از این ردیف ستونها تنها یکی از آنها
در بر شرقی دالان غربی مسجد پا برجاست .



۱۰- ستونها 2F 2G در طرفین ورودی به مقصوره مسجد اولیه و گنبد قرن ششم هجری . این ستونها بهنگام احداث ایوان جنوبی بریده میشود (عکس ۱۱) . تنها قسمتهای باقیمانده از گوشواره گچبری شده آنست (عکس ۱۲ و ۱۳) .



۱۵۱۴- ستونها 5F , 5G واقع
در بر حیات مسجد که بهنگام ساختمان
ایوان جنوبی تخریب گردید .



۱۶- ستون 8C یکی از ستونهای برحیاط شبستان غربی که بهنگام ساختمان ایوان غربی تخریب گردیده .

۱۸- بخشی از ساختمان عظیم خشتی در گوشه شمال غربی شبستان غربی به آثار این بنا در هر قسمت از مسجد جامع که کاوش گردید برخورد شد . مسجد اولیه بر روی آثار این بنا بنیان گردیده است .

۱۷- ستون F11 یکی از ستونهای برحیاط شبستان شمالی که بهنگام ساختمان ایوان شمالی تخریب گردیده .

